

ساختار سبع مثانی قرآن کریم (نظریه ای جدید در باب چینش سوره‌ها)

محمد برزگر^۱

عباس همامی^۲

چکیده

مسئله ترتیب سوره‌ها در مصحف، یکی از مسائل مهم تفسیری و علوم قرآنی است که بسیار مورد توجه قرار گرفته است. دانشمندان علوم قرآنی و مفسران غالباً یا این چینش را ناشی از اجتهاد صحابه می‌دانند و یا صرفاً این چینش را چینی توفیقی بر اساس طول سوره‌ها محسوب می‌کنند، در این میان برخی نیز توجه خود را به چینی دیگری از سوره‌ها، یعنی چینش نزولی معطوف کرده‌اند. البته معدودی از دانشمندان علوم قرآنی و مفسران، علاوه بر باور به توفیقی بودن ترتیب سوره‌ها به حکیمانانه بودن این چینش نیز اعتقاد داشته و در راستای تبیین حکمت چینش سوره‌ها، نظراتی را مطرح کرده‌اند. نظریه تناسب خطی سوره‌ها، نظریه احزاب چهارگانه با محوریت سوره بقره و نظریه احزاب هفتگانه مکی - مدنی شامل زوج سوره‌ها، سه نظریه‌ای است که تاکنون در این باره مطرح شده است. در این مقاله ابتدا این سه نظریه مطرح و مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد، آنگاه با تصحیح و تکمیل نظریه سوم، نظریه جدیدی درباره نظام و چینش سوره‌ها در قرآن مطرح می‌گردد.

کلید واژه ها: چینش سوره‌ها، تناسب سوره‌ها، گروه سوره‌ها، احزاب هفتگانه سور، احزاب چهارگانه سور، زوجیت سوره‌ها

mohammadbarzegar@gmail.com

ah@hemami.net

۱- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه مذاهب اسلامی

۲- استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (عهده‌دار مکاتبات)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۳/۱۲؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۵/۱۰

۱- طرح مسأله

در میان عقلای عالم رسم بر این است که وقتی کتابی می‌نویسند، به ساختار و ترتیب مطالب آن به مانند الفاظ و محتوای کتاب، اهمیّت می‌دهند و هیچ‌گاه مؤلفی کتابی تألیف نکرده، الا اینکه نظم و ترتیب اجزاء و فصول آن را نیز مشخص کرده باشد. این بدین خاطر است که نظم و ترتیب اجزاء و فصول یک کتاب جزء لاینفک آن کتاب بوده و کتاب، بدون نظم خاص برای اجزاء و فصول آن قابل تصور نیست.

قرآن دارای اجزاء و بخشهایی مانند کلمه، جمله، آیه و سوره است که با چینش خاص خود این کتاب الهی را تشکیل داده‌اند. در خصوص کلمات قرآن و چینش ویژه آنها و تشکیل جملات و آیات قرآن، میان دانشمندان علوم قرآنی و مفسران، اجماع نظر وجود دارد و همگی، این موارد را الهی دانسته و لذا دقت فراوانی در تک تک کلمات قرآن و نحوه ترتیب آن می‌کنند. درباره جملات و آیات قرآن نیز مسأله تا حدی به همین صورت است و دقت‌های خوبی به ویژه در سده‌های اخیر در خصوص آیات قرآن و نحوه چینش آنها در درون سوره‌ها صورت گرفته است.

این مسأله در خصوص سوره‌ها تفاوت عمده‌ای با موارد قبل دارد. هر چند دانشمندان علوم قرآنی و مفسران، سوره‌های قرآن را الهی می‌دانند، اما غالباً چینش سوره‌های قرآن را یا توقیفی نمی‌دانند و یا صرفاً این چینش را چینی الهی بر اساس طول سوره‌ها می‌دانند. عده‌ای نیز به ویژه در دوران معاصر، ترتیب نزولی قرآن را ترتیب تأثیر گذار قرآن دانسته و عملاً مخاطبان را به خواندن و مطالعه بر اساس ترتیب نزول دعوت می‌کنند. از این رو ترتیب تدوینی سوره‌ها - که بنا بر دلایل فراوان، ترتیبی الهی و توقیفی می‌باشد - مورد بی‌توجهی قرار گرفته

ساختار سبع مثنای قرآن کریم (نظریه‌ای جدید در باب چینش سوره‌ها) /// ۱۲۱

و صرفاً به عنوان یک رسم دیرینه، تفاسیر ترتیبی را بر اساس آن چینش نوشته و یا ختم قرآن بر منوال آن انجام می‌شود. البته در این میان، عده معدودی از دانشمندان علوم قرآنی و مفسران، علاوه بر باور به الهی بودن ترتیب سوره‌ها به چینش حکیمانه سوره‌ها نیز اعتقاد داشته و در راستای تبیین نحو چینش سوره‌ها، گام‌هایی را برداشته‌اند. به گوشه‌ای از تلاش‌های این عالمان در بخش بعدی اشاره خواهد شد.

بنابراین، مسأله ترتیب سوره‌ها در قرآن هر چند از مسائل مهم علوم قرآنی و تفسیری بوده، اما در حد لزوم مورد توجه قرار نگرفته و لذا پرداخت به آن و تبیین هر چه بهتر آن می‌تواند افق‌های جدیدی در قرآن‌شناسی و تفسیر قرآن به روی همگان بگشاید.

۲- وحیانی بودن چینش قرآن، مبنای کشف نظام سوره‌ها در قرآن

مهمترین مبنا جهت پیگیری نظم کامل و الهی سوره‌ها در قرآن، الهی و توقیفی دانستن چینش سور است. اگر قائل به بشری بودن نظم سوره‌ها در قرآن باشیم، توجه به این نظم چندان ثمری نخواهد داشت، زیرا در این صورت، این نظم، جزئی از قرآن و فعلی از افعال کامل الهی نبوده، بلکه امر ناقص بشری بوده و بررسی آن صرفاً منجر به کشف انگیزه مدونان آن از چرایی اینگونه چیدن سوره‌ها می‌شود. به عبارت دیگر، در صورت عدم قبول چینش توقیفی سوره‌ها، کشف هر گونه نظم سوره‌ها در قرآن نه قابل انتساب به خدای متعالی است و نه نظمی کامل و جامع می‌باشد، زیرا در بهترین حالت این نظم ناشی از عقل و درایت یک یا مجموعه‌ای از انسان‌ها بوده و دارای وجه یا جوهی از حکمت می‌باشد، اما قطعاً

نمی‌توان ادعا کرد که این ترتیب، کامل‌ترین وجه چینش بوده و همه جوانب لازم را مد نظر قرار داده و دارای هیچ نقص یا اشکالی نمی‌باشد.

بر این اساس جهت تحقیق درباره نظم و نظام سوره‌ها در قرآن، ابتدا باید الهی و توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها در قرآن اثبات و مورد قبول قرار گیرد و آنگاه محقق با این باور در کشف حکمت این چینش و نظام موجود در ترتیب سوره‌های قرآن به کوشش لازم پردازد. البته از آنجا که اثبات و حیانی بودن چینش سوره‌ها در قرآن خود یک مجال جدا می‌طلبد، لذا در اینجا این مسأله را به عنوان پیش فرض قبول کرده و صرفاً به بحث کشف نظام سوره‌ها در قرآن می‌پردازیم.

این مطلب نیز شایسته ذکر است که برخی با اشاره به پاره‌ای از وجوه نظم در ترتیب سوره‌های قرآن، آن را دلیل بر الهی بودن این چینش یا اعجاز قرآن می‌دانند (نک: ایازی، ۱۱۶-۱۲۰)، به عنوان مثال سعید حوی که در تفسیر خود به طور ویژه به بحث چینش سوره‌ها در قرآن توجه کرده است، معتقد است: «با آنچه وی در تفسیر خود از نحوه چینش سوره‌ها و چرایی آن بیان کرده است، می‌توان به پی برد که قرآن الهی است و بشری نیست» (حوی، ۱/۲۵). با توجه به مطالب گذشته، نادرستی این حرف روشن است، زیرا صرف وجود هر گونه نظم، مساوی با الهی بودن آن نظم نیست، بلکه وجود نظم، وجود ناظم را ثابت می‌کند، چه ناظم خدا باشد و چه بشر؛ لذا اگر کسی بخواهد از وجود نظم به ناظم الهی برسد، باید ثابت کند این نظمی که کشف شده، چنان نظم کامل و جامعی است که بشر را یارای آن نبوده و فقط خدای خالق بشر با علم بی‌منتهای خود می‌تواند چنین نظمی ایجاد کند. اما باید گفت، نه نظم‌های مطرح شده توسط این مدعیان، چنین ویژگی‌ای دارد و نه اثبات چنین نظمی، کاری ساده و آسان می‌باشد، به ویژه آنکه بحث از نظم سوره‌ها در قرآن، از مباحث مغفول در علوم قرآنی بوده و تحقیقات

ساختار سبع مثانی قرآن کریم (نظریه‌ای جدید در باب چینش سوره‌ها) // ۱۲۳

بسیار اندکی در این خصوص یافت می‌شود، از این رو محققان تا رسیدن به یک چنین دست‌آوردی، راه نرفته زیادی دارند. لذا راه صحیح ورود به این مسأله همان چیزی است که بیان شد، یعنی اول باید الهی بودن چینش سوره‌ها اثبات شود و آنگاه با علم به حکیمانانه بودن این چینش، در راستای کشف هر چه عمیق‌تر این نظم تلاش مستمر صورت گیرد.

۳- نظریه‌های مطرح پیرامون نظام سوره‌ها در قرآن

درباره نظام سوره‌ها در قرآن تا کنون سه نظریه مطرح شده است: ۱- تناسب خطی ۲- احزاب چهارگانه با محوریت سوره بقره ۳- احزاب هفت‌گانه مکی-مدنی شامل زوج سوره‌ها. در ادامه تشریح هر کدام از این نظریه‌ها و نقد و بررسی آن خواهد آمد.

۳-۱. تناسب خطی سوره‌ها

نظریه تناسب خطی سوره‌ها، مشهورترین نظریه‌ای است که تا کنون در خصوص چینش سوره‌ها در قرآن مطرح شده است. این نظریه از سوی برخی دانشمندان علوم قرآنی و عده‌ای از مفسران مطرح گردیده است.

ابو جعفر احمد بن ابراهیم بن زبیر الغرناطی (م ۷۰۸ ق) نخستین دانشمندی دانست که به نحو جامعی به نظریه تناسب خطی سوره‌ها پرداخته و در این خصوص کتاب مستقلی تألیف کرده است (الغماری، ۱۶). وی این کتاب را «البرهان فی تناسب سور القرآن» نام نهاده و در آن تناسب خطی تک تک سوره‌های قرآن را بیان می‌کند. غرناطی در مقدمه کتاب خود می‌نویسد: «پیوستگی سوره‌ها بر طبق ترتیب مصحف چیزی است که کسی متعرض آن نشده است و احدی از متقدمان یا متأخران به آن باب وارد نشده است» (الغرناطی، ۱ / ۱۸۰ - ۱۸۱). برهان الدین بقاعی (م

۸۸۵ق) در نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور، علاوه بر تناسب آیات در درون سوره‌ها، به تناسب هر سوره با سوره قبل از خود نیز اشاره می‌کند. سیوطی (م ۹۱۱ق) نیز در یکی از تألیفات خود به نام «تناسق الدرر فی تناسب السور» یا «ترتیب سور القرآن» به نحو ویژه به بسط این نظریه می‌پردازد. آلوسی (م ۱۲۷۰ق) در تفسیر الجامع لأحكام القرآن، عبده (م ۱۳۲۳ق) در تفسیر المنار، مراغی (م ۱۳۷۱ق) در تفسیر المراغی، نهاوندی (م ۱۳۷۱ق) در تفسیر نفحات الرحمن نیز عمدتاً بر گرفته از منابع قبلی و گاه با طرح تناسبی جدید بین سوره‌ها، متعرض این مسأله شده‌اند. در دوران معاصر نیز الغماری در تألیف مستقلی با نام «جواهر البیان فی تناسب سور القرآن» با عنایت به تحقیقات متقدمان، به این نظریه پرداخته است. برخی دانشمندان علوم قرآنی که به علم تناسب باور داشته‌اند نیز این نظریه را در بحث تناسب سوره‌ها مطرح کرده‌اند. (نک: زرکشی، ۱/ ۱۳۳-۱۳۵).

۳-۱-۱- گزارش تطبیقی

چنانکه بیان شد در نظریه تناسب خطی سوره‌ها هر سوره با سوره قبل از خود تناسب دارد. با نگاهی به نظرات قائلان این نظریه، انواع تناسب‌های مطرح میان سوره‌ها را می‌توان به چهار نوع دسته‌بندی کرد:

۱- تناسب کلی یا جزئی در محتوا و موضوع دو سوره با هم.

۲- تناسب بین ابتدای سوره بعد با انتهای سوره قبل.

۳- تناسب ابتدای دو سوره با هم.

۴- تشابه ترتیب دو سوره با ترتیب نزولی آنها.

در ادامه جهت تطبیق و تفصیل بیشتر این نظریه به مواردی از تناسب سوره‌های پشت سر هم در دیدگاه صاحبان این نظریه با تفکیک انواع تناسب از یکدیگر اشاره می‌کنیم.

الف- تناسب سوره انعام با سوره مائده

تناسب نوع اول (محتوایی): هر دو سوره به احکام طعام اشاره کرده‌اند، سوره مائده، محرّمات طعام را به تفصیل اشاره کرده و مسلمانان را از تحریم طیبات بر حذر داشته، سوره انعام به محرّمات طعام اشاره مختصری داشته ولی به محرّمات طعام در نزد مشرکین مفصل پرداخته و با آنها در این امر احتجاج کرده و بر بطلان آن دلیل اقامه می‌کند (عبده، ۲۸۹/۷؛ سیوطی، ۲۰۰۰م، ۶۵).

تناسب نوع دوم (ابتدا و انتهای دو سوره): خداوند سبحان، سوره مائده را با تحمید خویش در شمول ملک و قدرت‌اش به پایان می‌برد و در ادامه، سوره انعام را با خبر دادن از اینکه این حمد و همه محامد به نحو ثابت و دائم چه قبل از ایجاد خلق و چه بعد از آن مستحق خداوند سبحان است، شروع می‌کند (نظم الدرر، ۲/۵۷۹).

ب- تناسب سوره هود یا یونس

تناسب نوع اول (محتوایی): ابتدا و انتها و اثناء هر دو سوره با هم متناسب بوده و هر دو به موضوع قرآن و نبوت می‌پردازد. هر دو این سوره‌ها با ذکر قرآن و رسالت پیامبر اکرم ۹ (انذار و تبشیر) شروع می‌شوند و هر دو با دعوت مردم به سوی قرآن و امر پیامبر به صبر و توکل و استقامت پایان می‌یابند. در اثناء هر دو سوره نیز تحدی به آوردن مثل قرآن شده و با مشرکان در اصول دین مواجه شده است (عبده، ۲/۱۲).

تناسب نوع سوم (تناسب در ابتدا): هر دو سوره با حروف مقطعه‌الر شروع می‌شوند (همانجا).

تناسب نوع چهارم (تناسب در ترتیب نزول): سوره هود همانطور که در ترتیب

مصحف در کنار و بعد از سوره یونس است، در ترتیب نزول نیز بعد از این سوره نازل شده است (سیوطی، ۲۰۰۰م، ۷۶).

ج- تناسب سوره مدثر با مزمل

تناسب نوع سوم (تناسب در ابتدا): هر دوی این سوره‌ها با خطاب به پیامبر اکرم ۹ آن هم با خطابی شبیه به هم شروع شده است (همان، ۱۳۸؛ نهایندی، ۶/۳۶۳).

تناسب نوع چهارم (تناسب در ترتیب نزول): سوره مدثر همانطور که در ترتیب مصحف در کنار و بعد از سوره مزمل است، در ترتیب نزول نیز بعد از این سوره نازل شده است (سیوطی، ۲۰۰۰م، ۱۳۸).

۳-۱-۲- نقد و بررسی

پیوند بین همه سوره‌های همجوار در قرآن، یکسان و هم‌رتبه نیست، از این رو پیوند بین بعضی سوره‌های متوالی بسیار قوی و مستحکم است، اما پیوند برخی سوره‌های متوالی دیگر، نهایتاً تناسبی در حد ابتدا و انتهای آنها می‌باشد. در واقع چنانکه در ادامه تحقیق می‌بینیم، سوره‌ها به گروه‌هایی تقسیم می‌شوند که پیوند بین سوره‌های هر گروه وثیق‌تر از پیوند بین سوره‌های یک گروه با گروه همجوار می‌باشد. این نکته چیزی است که صاحبان این نظریه نیز گویی به صورت ناخود آگاه به آن اذعان داشته‌اند و لذا گاه از گروه سوره‌هایی مانند طواسین (سوره شعراء تا قصص)، حوامیم (سوره غافر تا احقاف)، ذوات الر (سوره یونس تا حجر) و... نام برده و به تناسباتی بین همه سوره‌های این گروه‌ها اشاره کرده‌اند (نک: عبده، ۱۱/۴۲؛ سیوطی، ۲۰۰۰م، ۷۱-۷۲).

مسأله فوق به طور ویژه در سوره‌های مکی و مدنی قرآن دیده می‌شود.

ساختار سبع مثنائی قرآن کریم (نظریه‌ای جدید در باب چینش سوره‌ها) ۱۲۷ ///

چینش سوره‌های قرآن به گونه‌ای است که سوره‌های مکی و مدنی کاملاً جدای از یکدیگر نیستند، بلکه به طور معمول یک یا تعدادی سوره مدنی در کنار یکدیگر قرار گرفته و بعد از آن نیز تعدادی سوره مکی قرار گرفته است و دوباره همین روند بین سوره‌های مدنی و مکی قرآن چند بار تا انتهای قرآن تکرار شده است. از این رو محدود شدن در تناسب خطی بین سوره‌ها چیزی جز تکلف در غالب موارد به بار نمی‌آورد، بلکه باید به گروه سوره‌های قرآن به ویژه گروه سوره‌های مکی و مدنی دقت کرد و پیوند درون گروهی و بین گروهی آنها را با یکدیگر کشف کرد. عبده صاحب تفسیر المنار که از زمره طرفداران نظریه تناسب خطی سوره‌ها است، معتقد است که تناسب بین اکثر سوره‌های مکی از تناسب بین سوره مکی با سوره مدنی قوی‌تر است (عبده، ۲۸۸/۷؛ ۴۲/۱۱). از این رو، این مفسر به مجموع سوره‌های مدنی یا مکی کنار یکدیگر به مثابه یک گروه نگاه کرده و به عنوان مثال سوره‌های بقره تا توبه را به سه گروه بقره تا مائده (مدنی)، انعام و اعراف (مکی)، انفال و توبه (مدنی) تقسیم کرده و ارتباط بین این سوره‌ها را در قالب این سه گروه نیز تبیین می‌کند (همو، ۲۸۸/۷ - ۲۸۹).

۳-۲- نظریه احزاب چهارگانه با محوریت سوره بقره

نظریه چینش و پیوند سوره‌های قرآن به صورت احزاب چهارگانه با محوریت سوره بقره، دومین نظریه مطرح درباره نظام سوره‌ها در قرآن است. این نظریه را مفسر سوری، سعید حوی (م ۱۹۸۹م) در تفسیر "الاساس فی التفسیر" مطرح کرده است.

حوی بر اساس حدیث نبوی، سوره‌های بعد از سوره حمد را به چهار قسم طوال، مئین، مثنائی و مفصلات تقسیم می‌کند. وی با توجه به برخی قرائن و اجتهادات، قسم اول (طوال) را از سوره بقره تا توبه (حوی، ۵۳/۱-۵۵)، قسم دوم (مئین)

را از سوره یونس تا قصص (همان، ۵/۲۰۴۷)، قسم سوم (مثنی) را از سوره عنکبوت تا قاف و قسم چهارم (مفصلات) را از سوره ذاریات تا ناس (همان، ۸/۴۱۴۹-۴۱۵۰) می‌داند. وی همچنین معتقد است هر کدام از این اقسام نیز خود به چند مجموعه از سوره‌ها که جمعاً ۲۴ دسته می‌شوند. قابل تقسیم‌اند (همان، ۱۱/۶۷۷۰-۶۷۷۱). حوی معتقد است، سوره فاتحه کل معانی قرآن را به طور خلاصه آورده و در ادامه، سوره بقره کل اسلام را به شکل محکم و مجمل مطرح می‌کند. وی در تأیید جایگاهی که برای سوره بقره مطرح می‌کند، حدیثی را بدین مضمون از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند: *إِنْ كَادَتْ لَتَسْتَحْصِي الدِّينَ كُلَّهُ*^۱ (همان، ۷/۴۱۲۵).

به اعتقاد حوی، ۲۴ مجموعه سوره بعد از سوره بقره نیز هر کدام با شکلی خاص، مفاهیم مطرح در سوره بقره را تفصیل می‌دهد (همان، ۱۱/۶۷۷۰-۶۷۷۱). وی در توضیح بیشتر این مطلب چنین بیان می‌کند: اقسام چهارگانه سوره‌های قرآن هر کدام مطالب یکدیگر را تکمیل می‌کنند، بدین صورت: قسم اول سوره‌ها (طوال) از سوره بقره و یک مجموعه (آل عمران تا توبه) تشکیل شده که این مجموعه مطالب سوره بقره از ابتدا تا انتها شرح می‌دهد. قسم دوم سوره‌ها (مئین) از سه مجموعه تشکیل شده که هر کدام از این مجموعه‌ها، سوره بقره را از ابتدا تا قسمتی از سوره شرح می‌دهد. قسم سوم سوره‌ها (مثنی) نیز از پنج مجموعه تشکیل شده که هر کدام از این مجموعه‌ها نیز سوره بقره را از ابتدا تا جایی معین تفصیل می‌دهد. آخرین قسم سوره‌ها (مفصل) نیز از ۱۵ مجموعه تشکیل شده که هر کدام از این مجموعه‌ها نیز سوره بقره را از ابتدا تا جایی معین تفصیل می‌دهد. بر این اساس سوره بقره و به ویژه آیات ابتدایی آن (۱ تا ۳۹) که نقش محوری در سوره دارند، ۲۴ بار تفصیل داده می‌شود. (همان، ۱۱/۶۷۷۲)

۱- ترجمه: (سوره بقره) نزدیک است که کل دین را احصاء کند (ابن الاثیر، ۸/۴۷۱).

۳-۲-۱- گزارش تطبیقی

آنچه بیان شد، کلیات نظریه سعید حوی درباره نحوه ارتباط سوره‌ها در قرآن بود، در ادامه و جهت تطبیق بیشتر بحث به ارتباط مجموعه سوره‌های آل عمران تا توبه با سوره بقره از دیدگاه این مفسر می‌پردازیم.

حوی سوره بقره را دارای یک مقدمه (آیات ۱-۲۰) و یک خاتمه (آیات ۲۸۵ - ۲۸۶) و سه بخش عمده (آیات ۲۱ - ۱۶۷، آیات ۱۶۸ - ۲۰۷ و آیات ۲۰۸ - ۲۸۴) می‌داند. وی معتقد است از آنجا که آیات ۱-۵ سوره بقره با: الم شروع و با عبارت: "وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ" و سوره آل عمران نیز با: الم آغاز و با عبارت: "لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ" پایان می‌یابد، لذا سوره آل عمران تفصیل پنج آیه اول سوره بقره و توابع آن در مقدمه سوره (آیات ۶-۲۰) و ملحقات آن در بقیه سوره می‌باشد (همان، ۱/۲۲؛ ۲/۶۹۱؛ ۲/۹۷۹). حوی در ادامه با اشاره به برخی مشابهت‌های لفظی و محتوایی این دو سوره سعی در تبیین ادعای خود می‌کند (نک: همان، ۲/۶۹۱ - ۶۹۲).

درباره سوره نساء و ارتباط آن با سوره بقره حوی چنین توضیح می‌دهد: مقطع اول بعد از مقدمه سوره بقره (آیات ۲۱-۲۹) با عبارت: "يَا أَيُّهَا النَّاسُ" شروع و با عبارت: "وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ" پایان می‌یابد؛ سوره نساء نیز با عبارت: "يَا أَيُّهَا النَّاسُ" شروع و به عبارت: "وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ" ختم می‌شود، و این قرینه‌ای است که سوره نساء این مقطع از سوره بقره و امتدادات آن در سوره بقره را شرح می‌دهد. وی همچنین معتقد است، دو بحث وصیت و قتال که در ادامه سوره بقره آمده است (البقره، ۱۸۰ - ۱۸۲؛ ۲۱۶ - ۲۱۸) در امتداد همین مقطع (آیات ۲۱ - ۲۹) از سوره است و تفصیل این دو بحث نیز در سوره نساء آمده است (همان، ۲/۹۷۹ - ۹۸۰).

حوی سوره مائده را تفصیل آیات ۲۶ - ۲۷ سوره بقره می‌داند که در آنها از نقض عهد، قطع ما أمر الله به أن یوصل، و فساد در زمین یاد کرده و این افراد را فاسق و خاسر دانسته است. وی معتقد است سوره مائده برای نجات انسان از این رذائل آمده است و این بحث را تفصیل داده و در مقابل این رذائل، به فضائلی دعوت کرده است. قرینه جهت این مدعا آن است که این سوره با عبارت: "یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ" شروع شده است که با عبارت: "الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ" در آیات مورد اشاره سوره بقره ارتباط دارد. حوی کاربرد فراوان کلمه میثاق در آیات سوره مائده و اشاره به میثاق‌های امم مختلف را دلیل دیگری بر این مدعا می‌داند (نک: المائده، ۷ و ۱۲-۱۴ و ۷۰). او همچنین کثرت کاربرد کلمات کلیدی به کار رفته در آیات ۲۶ - ۲۷ سوره بقره: إفساد فی الارض، الخاسرین و الفاسقین در سوره مائده را از دیگر قرائن این ادعا بر می‌شمارد، کلید واژه افساد فی الارض در آیات: ۳۲، ۳۳ و ۶۴؛ کلید واژه الخاسرین در آیات ۵، ۲۱، ۳۰ و ۵۳ و کلید واژه الفاسقین در آیات ۲۵، ۲۶، ۴۷، ۴۹ و ۱۰۸ سوره مائده به کار رفته است (همانجا، ۳/ ۱۲۹۵-۱۲۹۷).

این مفسر، سوره انعام را تفصیل آیات ۲۸-۲۹ سوره بقره و امتدادات آن در آن سوره می‌داند. او قرائن این مطلب را چنین بیان می‌کند: ۱- آیه دوم سوره انعام: "هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلًا مُّسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ" قرابت لفظی و محتوایی با عبارت: وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ از آیه ۲۸ سوره بقره دارد. ۲- آیه آخر سوره انعام: "وَ هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ... قرابت لفظی و محتوایی با عبارت: "هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا" از آیه ۲۹ سوره بقره دارد. ۳- آیه ۲۹ سوره بقره با این عبارت شروع می‌شود: "هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا" و آیات بسیاری

ساختار سبع مثانی قرآن کریم (نظریه‌ای جدید در باب چینش سوره‌ها) /// ۱۳۱

از سوره انعام با عبارت: "وَهُوَ" شروع شده و بسیاری از آنها نیز شرحی بر همین موضوع (خلق زمین برای انسان) می‌باشد. آیات: ۳، ۱۸، ۶۰، ۶۱، ۷۳، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۴۱ و ۱۶۵ (همان، ۱۵۵۷/۳ - ۱۵۵۸). حوی در توضیح چگونگی تفصیل امتدادات آیه ۲۸-۲۹ سوره بقره در سوره انعام نیز توضیحاتی بیان می‌کند (همان، ۱۵۵۹/۳). مفسر تفسیر الاساس، سوره اعراف را تفصیل داستان حضرت آدم در آیات ۳۰-۳۹ سوره بقره به ویژه دو آیه پایانی آن می‌داند. وی در توجیه این مطلب چنین بیان می‌کند: سوره اعراف چنین شروع می‌شود: "الْمَصِّ كِتَابٌ أَنْزَلَ إِلَيْكَ... اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ..." در واقع عبارت: اتَّبِعُوا در این آیات، کلید ارتباط این سوره با فراز مورد اشاره از سوره بقره است، زیرا در آن آیات نیز سخن از تبعیت از هدایت الهی است: فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ، از همین روست که در این سوره جریان انبیاء الهی (آدم، نوح، هود، صالح، لوط، شعیب و موسی) را به عنوان مواردی از هدایت الهی بیان کرده و برخورد هر یک از امم با این انبیاء را شرح می‌دهد (همان، ۱۸۳۵/۴ - ۱۸۳۶).

حوی درباره سوره انفال و توبه و نحوه ارتباط این سوره‌ها با یکدیگر و با سوره بقره چنین توضیح می‌دهد: "سوره انفال و توبه هر چند دو سوره هستند، اما در حکم یک سوره می‌باشند، زیرا سوره انفال، تشریح مسأله قتال، احکام، لوازم، مقدمات و نتایج آن می‌باشد و سوره توبه مبتنی بر این مسائل، منشور قتال در اسلام است. وی معتقد است این دو سوره تفصیل آیات ۲۱۶ - ۲۱۸ سوره بقره هستند. محور این آیات قتال فی سبیل الله است و این همان چیزی است که در دو سوره انفال و توبه تفصیل داده شده است (همان، ۲۰۹۹/۴ - ۲۱۰۰). وی مشابهت‌های لفظی و محتوایی بین این دو سوره و آیات ۲۱۶ - ۲۱۸ سوره بقره را نیز به عنوان قرائنی برای این ادعای خود به طور مفصل ذکر می‌کند" (نک: همان، ۲۱۰۰/۴ - ۲۱۰۱).

حوی جمع‌بندی همه موارد بالا را به این صورت بیان می‌کند: "سوره آل عمران تفصیلی برای مقدمه سوره بقره یعنی بیست آیه اول آن و سوره نساء، مائده و انعام تفصیلی برای نه آیه بعدی (آیات ۲۱ - ۲۹) است. همچنین سوره اعراف تفصیلی است برای قصه حضرت آدم ۷ و جریان مستقر بر آن (آیات ۳۸ - ۳۹) و در آخر نیز دو سوره انفال و توبه، تفصیلی است برای موضوع قتال که در آیات ۲۱۶ - ۲۱۸ سوره بقره مطرح شده است. پس گویی آیات بین آیه ۳۹ و ۲۱۶ تفصیلی است که سیاق سوره بقره آن را اقتضاء می‌کرده است و گویی این آیات (۴۰ - ۲۱۵) امتداد معانی آیاتی بودند که در قبل آمده بودند (آیات ۱ - ۳۹) و لذا در سوره‌های قبل از انفال و توبه تفصیل داده شده بودند و آیات بعد از آیات ۲۱۶ - ۲۱۸ تا آخر سوره نیز چنین جایگاهی دارند. از این رو تمام آیات سوره بقره با هفت سوره بعدی قسم طوال تفصیل داده شد" (همانجا، ۴/ ۲۰۹۸).

۳-۲-۱- نقد و بررسی

قبلاً اشکال عمده نظریه تناسب خطی سوره‌ها این دانسته شد که در این نظریه به گروه سوره‌های قرآن توجه نشده و لذا قائلان در تبیین ارتباط بین سوره‌های مجاور، غالباً دچار تکلف شده‌اند. نظریه سعید حوی از این جهت که به گروه سوره‌ها توجه کرده، گامی جلوتر از نظریه تناسب خطی محسوب شده و تبیین به تری از چینش سوره‌ها در قرآن کرده است، اما این نظریه نیز دارای اشکالاتی است که در ادامه به تشریح آن می‌پردازیم.

الف- چالش تعیین حدود احزاب

همان‌طور که دیدیم، نظریه حوی بر تقسیم‌بندی چهار گانه سوره‌ها در قرآن بنا شده است. هر چند اصل تقسیم‌بندی چهار گانه سوره‌ها یا احزاب چهار گانه در

ساختار سبع مثنای قرآن کریم (نظریه‌ای جدید در باب چینش سوره‌ها) /// ۱۳۳

روایات فریقین آمده (کلینی، ۲/۶۰۱؛ عیاشی، ۱/۲۵؛ ابن حنبل، ۲۸/۱۸۸؛ طبرانی، ۲۲/۷۶؛ فضائل القرآن، ۱/۲۲۵؛ طبری، ۱/۳۵؛ مروزی، ۱/۱۷۰؛ متقی هندی، ۱/۵۷۲؛ سیوطی، ۱۴۰۱ق، ۱/۲۵۸)، اما حدود هر چهار حزب به روشنی و صراحت در این روایات نیامده است، لذا اقوال مختلفی در این زمینه وجود دارد (نک: حسینی‌زاده، ۱۹۹ - ۲۰۵). البته با کنار هم قرار دادن روایات، می‌توان قول ارجح روایی را بدین شرح دانست: حزب طوال: بقره تا توبه (ابن حنبل، ۲۸/۱۸۸؛ مروزی، ۱/۱۷۰)؛ حزب مئین: یونس تا قصص (مروزی، ۱/۱۷۰)؛ حزب مثنای: عنکبوت تا احقاف (مروزی، ۱/۱۷۰)؛ حزب مفصل: محمد تا ناس (کلینی، ۲/۶۰۱؛ مروزی، ۱/۱۷۰). که البته قول مطرح شده در محدوده دو حزب طوال و مفصلات، مطابق قول مشهور هم هست (حسینی‌زاده، ۱۹۹؛ ماوردی، ۱/۲۷؛ طوسی، التبیان، ۱/۲۰).

در این میان، حوی نیز در تعیین حدود احزاب، عمدتاً از اجتهاد خود کمک می‌گیرد (نک: حوی، ۱/۵۳ - ۵۴ و ۹/۵۴۴۶ و ۵/۲۴۰۷) و نظر نهایی که ارائه می‌دهد (حزب طوال: بقره تا توبه؛ حزب مئین: یونس تا قصص؛ حزب مثنای: عنکبوت تا قاف؛ حزب مفصل: ذاریات تا ناس)، هر چند در دو حزب اول، با قول ارجح روایی یکسان است، اما در دو حزب پایانی تفاوت دارد. جالب آنکه نظر حوی در تعیین ابتدای حزب مفصل، نظری کاملاً جدید می‌باشد (نک: حسینی‌زاده، ۲۰۳ - ۲۰۴).

در هر صورت، آنچه آمد به خوبی مشخص می‌کند که یکی از چالش‌های عمده در نظریه چینش سوره‌های قرآن بر اساس احزاب چهارگانه، تعیین محدوده این احزاب است. البته در خصوص تعیین محدوده احزاب چهارگانه، نظریه دیگری نیز بر اساس مطالب این تحقیق قابل طرح است که بعد از بیان ایده تحقیق در نحوه چینش سوره‌های قرآن، بیان می‌گردد.

ب- دو اشکال به نظریه سعید حوی

نظریه حوی دارای دو اشکال عمده می‌باشد:

۱- بنا بر نظریه سعید حوی، سوره حمد، فهرست اجمالی قرآن و سوره بقره، فهرست تفصیلی قرآن بوده و چهار گروه سوره طوال، مئین، مثنی و مفصلات هر یک به نوعی شرح سوره بقره می‌باشند، این یعنی سوره بقره چیزی جدا از دیگر سوره‌های طوال (آل عمران تا توبه) بوده و خود به تنهایی و یا به همراه سوره حمد دسته‌ای جدا از سوره‌ها می‌باشد؛ در حالی که حوی، سوره بقره را به همراه سوره‌های آل عمران تا توبه به عنوان یک گروه از سوره‌ها فرض کرده است، لذا حوی یا باید تقسیمات سوره‌ها را بدین گونه مطرح کند: ۱- سوره حمد، ۲- سوره بقره، ۳- سوره آل عمران تا توبه و ۴-... یا باید در محور بودن سوره بقره تجدید نظر کند.

۲- چنانکه در تشریح نظریه حوی آمد، وی همه سوره‌ها را با چیشی خاص، شرح و بسط قطعه‌ای از مباحث سوره بقره می‌داند. جدا از اشکالی که این مسأله در تقسیم‌بندی سوره‌ها دارد که به آن در اشکال اول پرداخته شد، قرائتی که حوی در تشریح نحوه ارتباط بین سوره‌ها با سوره بقره بیان می‌کند، ناکافی به نظر می‌رسد؛ مثلاً اینکه ابتدا و انتهای سوره آل عمران با ابتدا و انتهای آیات ۱-۵ سوره بقره همخوانی دارد، هر چند نکته‌ای است که نمی‌توان آن را انکار کرد، اما از آن به تنهایی نمی‌توان نتیجه گرفت که سوره آل عمران شرح این آیات می‌باشد. از سوی دیگر چنانکه بیان شد او معتقد است که هر کدام از چهار حزب قرآن یک دور تمام سوره بقره را شرح می‌دهند، اما چنانکه در مثالهای بیان شده از حزب طوال دیدید، او نتوانست این مطلب را به خوبی نشان دهد، لذا به عنوان مثال دیدیم بعد از شرح ۳۹ آیه اول سوره بقره توسط سوره‌های آل عمران تا اعراف،

ساختار سبع مثنائی قرآن کریم (نظریه‌ای جدید در باب چینش سوره‌ها) /// ۱۳۵

بی هیچ دلیل روشن بسیاری از مطالب سوره که بعد از ۳۹ آیه ابتدایی آن آمده، مانند جریان بنی اسرائیل، جریان حضرت ابراهیم ۷، حج، انفاق و... گویی وانهاده شده و صرفاً موضوع قتال و آن هم سه آیه خاص آن (آیات ۲۱۶ - ۲۱۸) در دو سوره انفال و توبه شرح داده شده‌اند!

۳-۳- نظریه احزاب هفت‌گانه مکی - مدنی شامل جفت سوره‌ها

نظریه چینش و پیوند سوره‌های قرآن به صورت احزاب هفت‌گانه مکی - مدنی که هر کدام نیز از تعدادی زوج سوره تشکیل شده‌اند، سومین نظریه در خصوص نظام سوره‌ها در قرآن است. این نظریه را مفسر پاکستانی، امین احسن اصلاحی (د: ۱۹۹۷م) در تفسیر "تدبر قرآن" به زبان اردو مطرح کرده است. البته وی در این نظریه بسیار متأثر از نظرات استاد خویش حمید الدین فراهی (د: ۱۹۳۰م) در کتاب "دلایل النظام" بوده است، به نوعی که شاید بتوان گفت، چارچوب این نظریه را فراهی بنا نهاده و اصلاحی آن را اصلاح و تکمیل نموده است (آقای، ۷۴).

۳-۳-۱- تشریح نظریه

اصلاحی نظریه خود درباره چینش سوره‌ها در قرآن را بر گرفته از آیه ۸۷ سوره حجر: "وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ" می‌داند. او سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي (هفت تا از دوتایی‌ها) در این آیه را وصف قرآن دانسته و سبع بودن قرآن را ناظر به چینش سوره‌های آن در هفت گروه می‌داند (اصلاحی، ۴/ ۳۷۷ - ۳۷۸).

وی معتقد است چینش سوره‌های قرآن از سوره یا سوره‌هایی مکی آغاز شده و به سوره یا سوره‌هایی مدنی ختم می‌گردد و این مسأله تا هفت مرتبه ادامه پیدا می‌کند. بنا بر این، هفت گروه سوره قرآن بر اساس چینش مکی - مدنی به شرح ذیل است:

گروه ۱: فاتحه، مکی؛ بقره تا مائده، مدنی.

گروه ۲: انعام و اعراف، مکی؛ انفال و توبه، مدنی.

گروه ۳: یونس تا مؤمنون، مکی؛ نور، مدنی.

گروه ۴: فرقان تا سجده، مکی؛ احزاب، مدنی.

گروه ۵: سبأ تا احقاف، مکی؛ محمد تا حجرات، مدنی.

گروه ۶: ق تا واقعه، مکی؛ حدید تا تحریم، مدنی.

گروه ۷: ملک تا کافرون، مکی؛ نصر تا ناس، مدنی (همان، ۱/۲۵).

اصلاحی معتقد است، هر گروه سوره یک محور جامع مشترک دارد و نسبت مضمونی میان سوره مدنی و مکی هر گروه، همچون نسبت میان شاخه‌ها و ریشه درخت است. وی محور گروه سوره اول را قانون و شریعت، محور گروه سوره دوم را تاریخ ملت ابراهیم ۷ و اصل و فرع آن، محور گروه سوره سوم را جنگ حق و باطل و بیان سنن الهی در آن، محور گروه سوره چهارم را نبوت و رسالت و خصائص و امتیازات آن، محور گروه پنجم را توحید، لوازم و مقتضیات آن، محور گروه ششم را بعث، حشر و نشر و محور گروه هفتم را انذار و بیدار کردن انسانها می‌داند (همان، ۱/۲۶).

این مفسر، مثنی بودن قرآن را به معنی زوج و جفت بودن سوره‌های آن می‌داند (همان، ۴/۳۷۷ - ۳۷۸). البته وی برای اثبات زوج بودن سوره‌های قرآن، قرائن دیگری را هم ذکر می‌کند: مانند شدت شباهت سوره‌هایی مانند ناس و فلق که به معوذتین مشهورند و یا اینکه پیامبر اکرم معمولاً در نماز، جفت سوره‌های خاصی مانند: صف - جمعه، قیامه - انسان، اعلی - غاشیه را قرائت می‌کرده است (همان، ۱/۲۶).

از دیدگاه اصلاحی، زوج سوره‌ها مکمل یکدیگر بوده و خلأهای یکدیگر

ساختار سبع مثنائی قرآن کریم (نظریه‌ای جدید در باب چینش سوره‌ها) ۱۳۷ ///

را پر و جنبه‌های مخفی هم را روشن می‌کنند (همان، ۲۶/۱). به عنوان مثال ایشان سوره‌های مَزْمَل و مَدَّثَر را جفت و زوج می‌داند و این زوجیت رو اینگونه توضیح می‌دهد: در سوره مَزْمَل به پیامبر اکرم خبر داده می‌شود که خدا مسئولیتی الهی بر شانه‌های او قرار داده است و در سوره مَدَّثَر خصوصیات این مسئولیت شرح داده می‌شود و به پیامبر اکرم ۹ تعلیم می‌دهد که چگونه این مسئولیت الهی را به انجام رساند (همان، ۳۷/۹)، یا مثلاً سوره‌های قیامت و انسان که زوج هم می‌باشند، هر دو به ضرورت اندیشیدن انسان به روز قیامت می‌پردازند، ولی سوره قیامت به صورت ویژه وجدان انسانی را به این کار فرا می‌خواند (همان، ۷۶/۹) و یا زوج سوره فیل و قریش اینگونه مطالب یکدیگر را تکمیل می‌کنند که ابتدا سوره فیل حمایت خدا از کعبه در برابر حمله بیگانگان را یادآوری می‌کند و در سوره قریش بیان می‌کند که به خاطر ایلاف، امنیت و اقتصاد مناسبی که به واسطه کعبه و حمایت ویژه خداوند از آن برای ایشان به وجود آمده، باید فقط پروردگار کعبه را بپرستند (همان، ۵۶۹/۹).

در خصوص زوجیت سوره‌ها در نظریه اصلاحی، نکات دیگری نیز وجود دارد که در مقام نقد و بررسی به آن موارد نیز می‌پردازیم.

۳-۳-۲- نقد و بررسی نظریه

نظریه اصلاحی نه مانند نظریه اول است که صرفاً در تناسب خطی سوره‌ها محدود شده باشد و نه چون نظریه دوم (نظریه سعید حوی) است که بر پایه ظنی روایات و اجتهادات شخصی مبتنی باشد. بلکه این نظریه به دلایل و قرائن قرآنی متکی می‌باشد. اصلاحی اولاً اصل نظریه خود یعنی هفت گروه بودن سوره‌ها و مثنائی بودن سوره‌ها در هر گروه را از قرآن اخذ کرده است. ثانیاً در تعیین محدوده هفت گروه سوره قرآن نیز بر مشخصه مکی و مدنی بودن سوره‌ها تکیه کرده

است که معیاری است، قابل تشخیص با محتوای خودِ سوره‌ها. با وجود نقاط قوت مذکور، این نظریه در برخی جنبه‌ها دارای نواقص و اشکالاتی به شرح ذیل می‌باشد:

۱- به نظر می‌رسد که سیر گروه سوره‌های قرآن بر خلاف نظر اصلاحی، مدنی به مکی است نه مکی به مدنی. در توضیح این مطلب به دو نکته باید اشاره شود:

الف- سوره حمد در میان سوره‌های قرآن، جایگاه خاص و بی‌بدیلی دارد. این سوره، عصاره معارف گسترده قرآن (جوادی، ۱/ ۲۵۸) و جامع مقاصد آن (سیوطی، ۲۰۰۰م، ۳۷) بوده و نسبت این سوره به کل قرآن، مانند نسبت انسان (عالم صغیر) به عالم (انسان کبیر) می‌باشد و لذا این سوره با وجود کوچکی خود جامع تمام مقاصد قرآن کریم می‌باشد (ملاصدرا، ۱/ ۱۶۳ - ۱۶۴). شاید به همین مناسبت باشد که در روایات دو وصف "السبع المثانی" و "القرآن العظیم" که در آیه ۸۷ سوره حجر به عنوان صفات قرآن به کار رفته است، به این سوره تطبیق داده شده و در واقع این سوره، همتای قرآن دانسته شده است (قمی مشهدی، ۷/ ۱۵۵ - ۱۵۸؛ بخاری، ۷/ ۱۷). برخی از اوصاف دیگری که در روایات برای این سوره بر شمرده شده است، مانند: أم الكتاب (کلینی، ۳/ ۴۵۷) یا أم القرآن (کلینی، ۶/ ۲۴۹؛ بخاری، ۶/ ۸۱) نیز گویای این منزلت برای سوره حمد می‌باشد. از سوی دیگر این سوره در ابتدای قرآن قرار گرفته و لذا به آن فاتحه الكتاب (کلینی، ۲/ ۵۴۳) گفته می‌شود. بر این اساس، سوره حمد به عنوان اجمال و عصاره قرآن کریم در فاتحه و طلعه این کتاب قرار گرفته است. این سوره را با هیچکدام از دیگر سوره‌های قرآن نمی‌توان زوج در نظر گرفت و در هیچ تقسیم‌بندی‌ای از سوره‌های قرآن نمی‌توان در کنار سوره دیگری قرار داد، چه اینکه دیدیم، این سوره در تقسیم‌بندی احزاب

ساختار سبع مثنای قرآن کریم (نظریه‌ای جدید در باب چینش سوره‌ها) // ۱۳۹

چهار گانه قرآن نیز قرار نگرفت. این سوره، طلیعه قرآن و دیگر سوره‌ها بوده و آن را با مجموع دیگر سوره‌ها باید ارزیابی کرد.

اصلاحی با آنکه خود تأکید می‌کند که سوره حمد، مقدمه قرآن است و نیاز به زوج ندارد (اصلاحی، ۱/۲۶)، اما این سوره را شروع کننده گروه سوره اول دانسته و چون این سوره مکی است، منطق گروه بندی سوره‌ها در قرآن را مکی-مدنی می‌داند، در حالی که اگر سوره حمد را بنا بر آنچه گذشت، داخل در گروه بندی سوره‌ها ندانیم، منطق گروه بندی سوره‌های قرآن مدنی-مکی خواهد بود.

ب- قرینه دیگر بر اشتباه بودن رویکرد مکی-مدنی اصلاحی آن است که وی مجبور می‌شود، چهار سوره انتهایی قرآن (مسد، توحید، فلق و ناس) را که مکی بودن آنها هم به لحاظ محتوا مسجل است و هم در قریب به اتفاق جداول مسند، غیر مسند و ترکیبی ترتیب نزول، سوری مکی محسوب می‌شوند (نک: بهجت پور، ۲۳-۴۷)، مدنی بداند؛ زیرا بر اساس منطق گروه بندی مکی-مدنی، قرآن باید با سوره‌های مدنی تمام بشود. در حالی که اگر چنانچه گفته شد، سوره حمد را داخل در گروه بندی سوره‌ها ندانیم، منطق گروه بندی سوره‌های قرآن، مدنی-مکی شده و لذا اتمام قرآن با سوره‌های مکی کاملاً مطابق با همین چینش است.

۲- دومین نقص یا اشکال در نظریه اصلاحی به نحوه تبیین زوجیت سوره‌ها از سوی وی بر می‌گردد. اصلاحی زوج سوره‌ها را به طور کامل احصاء نکرده و آنها را در کنار یکدیگر بر شمرده است، اما با دو قرینه، شاید بتوان ساختار زوجی و دوتایی سوره‌ها از دیدگاه این مفسر را بدست آورد.

اولاً از توضیحات وی در ابتدای هر گروه سوره و اینکه هیچ گاه سوره ابتدایی

یک گروه سوره را زوج سوره قبل ندانسته (نک: اصلاحی، ۳/۹ و ۴/۹ و ۵/۳۲۹ و ۶/۲۸۵ و ۷/۵۲۷ - ۵۲۸ و ۸/۳۷۹ - ۳۸۱)، به نظر می‌رسد، وی زوج سوره‌ها را در داخل گروه سوره‌ها می‌داند، یعنی فقط در داخل هر گروه سوره، سوره‌ها به صورت دو به دو با هم زوج هستند و هیچ‌گاه سوره ابتدایی یک گروه با سوره انتهایی گروه قبل زوج نیستند.

ثانیاً اصلاحی سوره حمد را از زوجیت مستثنی کرده و آن را مقدمه قرآن و بی‌نیاز از زوجیت می‌داند (اصلاحی، ۱/۲۶).

بر این اساس ساختار زوجی سوره‌های قرآن از دیدگاه اصلاحی چنین می‌باشد:

گروه سوره اول: فاتحه الكتاب - بقره و آل عمران - نساء و مائده

گروه سوره دوم: انعام و اعراف - انفال و توبه.

گروه سوره سوم: یونس و هود - یوسف و رعد - ابراهیم و حجر - نحل و اسراء - کهف و مریم - طه و انبیاء - حج و مؤمنون - نور؟؟.

گروه سوم چهارم: فرقان و شعراء - نمل و قصص - عنکبوت و روم - لقمان و سجده - احزاب؟؟.

گروه سوره پنجم: سبأ و فاطر - یاسین و صافات - صاد و زمر - غافر و فصلت - شوری و زخرف - دخان و جاثیه - احقاف و محمد - فتح و حجرات.

گروه سوره ششم: قاف و ذاریات - طور و نجم - قمر و الرحمن - واقعه و حدید - مجادله و حشر - ممتحنه و صف - جمعه و منافقون - تغابن و طلاق - تحریم؟؟.

گروه سوره هفتم: ملک و قلم - حاقه و معارج - نوح و جن - مزمل و مدثر - قیامت و انسان - مرسلات و نبأ - نازعات و عبس - تکویر و انفطار - مطففین و انشقاق -

ساختار سبع مثانی قرآن کریم (نظریه‌ای جدید در باب چینش سوره‌ها) // ۱۴۱

بروج و طارق- اعلی و غاشیه- فجر و بلد- شمس و لیل- ضحی و شرح- تین و علق- قدر و بینه- زلزال و عادیات- قارعه و تکاثر- عصر و همزه- فیل و قریش- ماعون و کوثر - کافرون و نصر - مسد و توحید - فلق و ناس.

آنچه از ساختار زوج سوره‌ها بدست آمد، بر اساس پیش فرضهای مطرح شده از سوی اصلاحی بود و چنانکه دیدیم در این ساختار، حداقل در سه گروه سوم، چهارم و ششم مشکلی به وجود می‌آید، زیرا تعداد سوره‌ها در هر یک از این گروه‌ها، فرد بوده و لذا قابل تقسیم به دو نبوده و حتماً یک سوره بدون زوج می‌ماند. اصلاحی به هیچ کدام از این موارد پاسخ قانع کننده‌ای نداده است، در خصوص گروه سوم، سوره نور تکمله سوره مؤمنون دانسته شده (همان، ۳۵۵/۵) در حالی سوره مؤمنون به عنوان زوج سوره حج مطرح شده است (همان، ۲۹۳/۵). درباره گروه چهارم، سوره احزاب وضعیتی شبیه به سوره نور دارد، اما اصلاحی برخوردی دیگر با آن کرده و این سوره را تکمله گروه سوره مکی قبل از خود (فرقان تا سجده) دانسته است (همان، ۱۷۹/۶). در گروه سوره ششم، گویی سوره ممتحنه بدون زوج مانده است (نک: همان، ۳۱۹/۸).

همه این موارد نشان می‌دهد با وجود قابل پذیرش بودن نظریه مثنی بودن سوره‌ها، باید توضیح جامع‌تری از این نظریه بیان گردد تا نواقص آن نیز پوشش داده شود. در بیان نظریه مربوط به این تحقیق، این مطلب را شرح بیشتری خواهیم داد.

۴- نظریه نویسنده: احزاب هفتگانه حاکمیتی (مدنی)- اعتقادی (مکی)

چنانکه در بیان، نقد و بررسی نظریات مطرح درباره چینش سوره‌ها مشاهده شد، چینش سوره‌ها در قرآن کریم نه یک چینش خطی، بلکه چینشی گروهی

می‌باشد. نظریه سعید حوی و از آن مهم‌تر نظریه اصلاحی با وجود نقائصی که داشتند، تا حدی این دیدگاه را تشریح و تثبیت کردند. اجزاء قرآن مانند همه یا اغلب تألیفات بشری، دارای یک ساختار و نظام می‌باشند. سوره‌های قرآن به مثابه یک فصل از کتاب الهی، هر چند خود دارای یک ساختار و نظام درونی بوده و از چینش نظام‌مند آیه‌ها به وجود آمده‌اند، اما خود نیز به عنوان یک جزء از کل قرآن به حساب آمده و با کنار هم قرار گرفتن در یک نظام ویژه، بخش‌های کتاب الهی را تشکیل داده‌اند، در واقع کتاب الهی به غیر از آیه و سوره، جزئی دیگر به نام گروه سوره‌ها (حزب) هم دارد که هر گروه سوره به عنوان یک بخش این کتاب شامل چند سوره به عنوان فصل‌های خود می‌باشد.

بنا بر این برای کشف چینش سوره‌ها در قرآن باید به دنبال کشف گروه سوره‌ها در قرآن باشیم به نحوی که اولاً این گروه سوره‌ها مطابق با نظم سوره‌ها در قرآن بوده و ثانیاً تمام قرآن را پوشش دهد. در نگاه اول برخی گروه سوره‌ها به ذهن می‌رسد، اما اینها یا مطابق نظم قرآن نیست و یا کل قرآن را پوشش نمی‌دهد. به عنوان مثال اگر معیار را شروع سوره‌ها با حروف مقطعه بدانیم، هر چند دو گروه سوره تشکیل می‌شود (سوره‌های با حروف مقطعه - سوره‌های بدون حروف مقطعه) که کل قرآن را شامل می‌شود، اما اشکال این تقسیم‌بندی در آن است که در چینش قرآن این دو گروه سوره کنار یکدیگر قرار نگرفته‌اند، بلکه در هم تنیده‌اند و در هم تنیدگی آنها نیز نظم قابل درک و روشنی ندارد. معیاری مانند هم‌سانی در شروع سوره‌ها؛ مانند سور الرات (سوره‌هایی که با ال شروع می‌شوند: یونس تا حجر)، طواسین (سوره‌هایی که با طس شروع می‌شوند: شعراء تا قصص)، مسبحات (سوره‌هایی که با تسبیح شروع می‌شوند: حدید، حشر، صف، جمعه، تغابن)، الحامدات (سوره‌هایی که با حمد شروع می‌شوند: انعام، کهف، سبأ،

ساختار سبع مثنایی قرآن کریم (نظریه‌ای جدید در باب چینش سوره‌ها) // ۱۴۳

فاطر) و... نیز جدا از آنکه تمام قرآن را پوشش نمی‌دهد، در برخی موارد با ترتیب سوره‌ها در مصحف نیز همخوانی ندارد، به عنوان مثال همه سور الحامدات پشت سر هم در قرآن قرار نگرفته‌اند.

با کنکاش بیشتر جهت کشف گروه سوره‌ها در قرآن یک معیار برجسته می‌شود که هر دو ویژگی پوشش کل قرآن و حفظ نظم موجود سوره‌ها را دارا می‌باشد. این معیار، معیاری محتوایی است و آن اینکه سوره‌های قرآن به لحاظ محور و فضای محتوایی خود یا حاکمیتی و جامعه‌ساز است و یا اعتقادی و فرد ساز. سوره‌های نوع اول، سوره‌هایی است که در مدینه و دوران حکومت پیامبر اکرم نازل شده و در علوم قرآنی به عنوان سوره‌های مدنی نام‌گذاری شده است، و سوره‌های نوع دوم سوره‌هایی است که در دوران دعوت پیامبر اکرم در فضای اختناق مکه نازل شده و در علوم قرآنی به عنوان سوره‌های مکی نام‌گذاری شده است. چینش گروهی سوره‌های قرآن بر این اساس و با لحاظ نقد اولی که به نظریه اصلاحی مطرح کردیم، بدین شرح می‌باشند:

مقدمه و اجمال قرآن: سوره حمد

گروه اول: بقره تا مائده (حاکمیتی و مدنی) - انعام و اعراف (اعتقادی و مکی)

گروه دوم: انفال و توبه (حاکمیتی و مدنی) - یونس تا مؤمنون (اعتقادی و مکی)

گروه سوم: نور (حاکمیتی و مدنی) - فرقان تا سجده (اعتقادی و مکی)

گروه چهارم: احزاب (حاکمیتی و مدنی) - سبأ تا احقاف (اعتقادی و مکی)

گروه پنجم: محمد تا حجرات (حاکمیتی و مدنی) - قاف تا واقعه (اعتقادی و

مکی)

گروه ششم: حدید تا تحریم (حاکمیتی و مدنی) - ملک تا کافرون (اعتقادی و

مکی)

گروه هفتم: نصر (حاکمیتی و مدنی) - تبت تا ناس (اعتقادی و مکی)

ع-۱- مستند قرآنی این نظریه

آیا قرآن درباره چینش سوره‌های خود و یا حزب‌بندی سوره‌ها چیزی مطرح کرده است؟ این یکی از سؤالات مهمی است که به ذهن هر محققى که باور به چینش الهی سوره‌ها دارد و در پی کشف نحوه این چینش است، خطور می‌کند. ظاهراً تنها جایی که قرآن کریم به این مسأله اشاره کرده، آیه ۸۷ سوره حجر می‌باشد. این آیه بدین شرح است: «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ». در این آیه خداوند از اعطای دو چیز به پیامبر اکرم ۹، یکی با وصف سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي و دیگری با وصف الْقُرْآنَ الْعَظِيمَ یاد می‌کند. وصف دوم به روشنی به قرآن دلالت دارد. وصف اول نیز هر چند در لفظ صراحتی در اشاره به قرآن ندارد، اما با توجه به فرار گرفتن در کنار وصف الْقُرْآنَ الْعَظِيمَ و همچنین با توجه به آیات بعدی که بحث قرآن ادامه پیدا کرده است: «كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُتَسِّمِينَ الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ» (حجر، ۹۰ - ۹۱) ظاهراً به قرآن اشاره دارد، از این رو، عطف این دو وصف به یکدیگر از باب عطف دو وصف یک شیء به هم می‌باشد (ابوحیان، ۶/ ۴۹۴).

هر چند غالب مفسران با توجه به روایات، سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي را به سوره حمد تفسیر کرده و در توضیح چرایی این وصف برای سوره حمد اقوالی مطرح کرده‌اند (نک: مقاتل، ۲/ ۴۳۶؛ طبرسی، ۶/ ۵۳۰؛ فخر رازی، ۱۹/ ۱۵۸ - ۱۵۹؛ طباطبائی، ۱۲/ ۱۹۱؛ صادقی تهرانی، ۱۶/ ۲۳۴ - ۲۳۵). اما باید توجه داشت که این روایات صرفاً سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي را به سوره حمد تطبیق داده‌اند و این سوره را به عنوان مصداقی برای آن وصف معرفی کرده‌اند. در واقع روایات مذکور در مقام بیان مفهوم آیه نیستند، بلکه این روایات می‌خواهند به جایگاه ویژه سوره حمد اشاره

ساختار سبع مثنایی قرآن کریم (نظریه‌ای جدید در باب چینش سوره‌ها) // ۱۴۵

کرده و آن را مانند کل قرآن، مصداقاً سَبْعاً مِّنَ الْمَثَانِي معرفی کنند (اصلاحی، ۴/۳۷۸)، قرینه‌ای از همین روایات بر صحت این حرف آن است که در برخی از همین روایات، حتی الْقُرْآنَ الْعَظِيمَ نیز سوره حمد دانسته شده است (مالک، ۲/۱۱۲؛ احمد بن حنبل، ۱۴/۳۱۱؛ طوسی، ۲/۲۲۸۹).

۴-۱-۱- معنا و مفهوم "سبعاً من المثنای"

جهت کشف معنای عبارت سَبْعاً مِّنَ الْمَثَانِي باید معنای هر یک از اجزای آن را دانست. سَبْعاً عددی است که معدود آن حذف شده، «مِن» بیانیه بوده و در واقع نوع سبع را مشخص می‌کند (فخررازی، ۱۹/۱۵۸)، اما کشف معنای مَثَانِي نیاز به دقت بیشتری دارد. لغت شناسان مَثَانِي را از ماده ثنی می‌دانند (جوهری، ۶/۲۲۹۶). اصل معنای این ماده، منعطف شدنی است که در آن مفهوم بازگشت و تکرار نیز وجود دارد (مصطفوی، ۲/۳۷)، از این رو این ماده در تکرار دوباره یک چیز به کار می‌رود (ابن فارس، ۱/۳۹۱). مَثَانِي را غالباً جمع مَثْنِي و یا مؤنث آن مَثَانِة دانسته‌اند (ابن منظور، ۱۴/۱۱۹؛ ازهری، ۱۵/۱۰۰؛ زمخشری، ۱/۱۵۶؛ زبیدی، ۱۹/۲۵۵)، مانند مکاتب که جمع مکتب و مکتبه می‌باشد. مَثْنِي معدول از اثین اثین به معنی دوتایی دوتایی است (ابن منظور، ۴/۱۱۸؛ ابن اثیر، ۱/۲۲۵؛ فیروز آبادی، ۴/۳۳۲)، لذا به شعر دوییتی مَثَانِة گفته می‌شود (ابن منظور، ۴/۱۲۰، جوهری، ۶/۲۲۵۴). بر این اساس مَثَانِي یعنی مَثْنِي مَثْنِي یا دوتایی دوتایی‌ها. به عنوان مثال در روایات درباره اذان چنین آمده است: الْأَذَانُ مَثْنِي مَثْنِي (کلینی، ۶/۱۱۸) زیرا عبارات آن دوتا دوتا تکرار شده است. درباره نماز شب نیز چون دو رکعت دو رکعت است، چنین تعبیری به کار رفته است (ابن منظور، ۱۴/۱۱۸). بر این اساس عبارت سَبْعاً مِّنَ الْمَثَانِي نزدیک به عبارت السَّبْعِ الْمَثَانِي و به معنای «هفت تا از دوتایی‌ها» یا «هفت تا دوتایی» می‌باشد.

سَبْعاً مِنَ الْمَثَانِي يَا «هفت تا دوتایی» بودن قرآن را می‌توان در دو حیطة ارزیابی کرد:

حیطه مفاهیم: در این صورت، عبارت سَبْعاً مِنَ الْمَثَانِي، یعنی مفاهیم قرآن هفت نوع است که هر کدام از این انواع دوتایی دوتایی می‌باشند. برخی مفسران این احتمال را مطرح کرده و موضوعات هفتگانه و دوتایی قرآن را چنین بر شمرده‌اند: امر و نهی، وعد و وعید، محکم و متشابه، مجمل و مفسر، ناسخ و منسوخ، تنزیل و تأویل، عام و خاص (میبدی، ۵/۳۳۸).

حیطه الفاظ و چینش آن: در این صورت، عبارت سَبْعاً مِنَ الْمَثَانِي قرآن را به حیث الفاظ هفت قسمت می‌داند که هر کدام از این قسمت‌ها دوتایی دوتایی می‌باشند، برخی مفسران این احتمال را مطرح کرده‌اند، اما گویی آن را صرفاً اشاره به هفت قسمت مساوی قرآن دانسته‌اند: سَبْعَةُ أَسْبَاحٍ: هفت تا یک هفتم (فخررازی، ۱۹/۱۶۰؛ سمرقندی، ۲/۲۶۲؛ ثعلبی، ۵/۳۵۲؛ میبدی، ۵/۳۳۸). مدعای این تحقیق آن است که این هفت قسمت قرآن که در آیه بدان اشاره شده، می‌تواند همان هفت دسته سوره‌های مدنی-مکی باشد که در ابتدای این بحث بدان اشاره کردیم. گروه‌های هفتگانه سوره‌های قرآن به دلیل آنکه دوتایی دوتایی بوده و هر یک شامل تعدادی سوره مدنی و تعدادی سوره مکی هستند، می‌توانند مصداقی برای سبع مثنایی بودن قرآن باشند. در واقع این تقسیم‌بندی از سوره، با هفت گروه بودن، مطابق لفظ سبع بوده و با دوتایی دوتایی بودن در مدنی-مکی بودن سوره‌ها، متناسب با لفظ مثنایی هست.

آنچه مطرح شد، در راستای تقویت این نظر بود که چینش قرآن بر اساس هفت گروه سوره مدنی-مکی می‌تواند به عنوان وجهی از وجوه السبع المثنایی بودن قرآن باشد. اما در صورتی که این وجه نیز قابل انتساب به این تعبیر قرآن

ساختار سبع مثنای قرآن کریم (نظریه‌ای جدید در باب چینش سوره‌ها) /// ۱۴۷

نباشد، باز هم خللی در پذیرش این نوع چینش ایجاد نخواهد شد، زیرا اصل این چینش چیزی است که در قرآن وجدان می‌شود و امری تحمیلی به قرآن محسوب نمی‌شود. در ادامه خواهید دید که معیار مکی یا مدنی بودن سوره‌ها در این نظریه، قرائن بعضاً متناقض تاریخی نیست، بلکه عمده معیار ما، شهادت محتوا و سیاق سوره به حاکمیتی و اجتماعی بودن و یا اعتقادی و فردی بودن آن است.

۴-۱-۲- معیار قرآنی برای مکی یا مدنی بودن سوره‌ها در این نظریه

اگر بخواهیم نظریه چینش مدنی- مکی سوره‌های قرآن را به خود قرآن اسناد بدهیم، باید مکی یا مدنی بودن سوره‌های قرآن امری مستند به قرآن باشد نه بر آمده از گمانه‌های تاریخی. سوره‌های مکی و مدنی به لحاظ سیاق کلام و محور محتوایی با یکدیگر تفاوت روشنی دارد و این امری است، قابل کشف از الفاظ و محتوای سوره‌ها و لذا مستند به خود قرآن. توضیح این مطلب در سطور بعدی می‌آید.

قرآن به عنوان برنامه جامع هدایت بشر، هم اصول کلی و اساسی بینش‌ها، گرایشها و رفتار صحیح زندگی فردی را برای تک تک آحاد بشر بیان کرده و هم چارچوب و نحوه تشکیل و برپایی حاکمیتی الهی در جوامع را تعلیم داده تا آن بینش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای صحیح در عرصه اجتماعی و جهانی بروز پیدا کند. در واقع قرآن به عنوان برنامه جامع هدایت، هم به جنبه فردی توجه دارد و هم به بعد اجتماعی؛ هم به زیربناهای اعتقادی می‌پردازد و هم روبناهای اجتماعی لازم را تقویت می‌کند. محور بحث سوره‌های مکی بعد اول است و محور معارف سوره‌های مدنی، جنبه دوم.

سوره‌های مکی سوری هستند که در ۱۳ سال حضور پیامبر اکرم ۹ در مکه

نازل شده‌اند و سور مدنی در ۱۰ سال حضور ایشان در مدینه (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ۱/۵۵). سوره‌های مکی و مدنی به دلیل فضای نزول متفاوت‌شان به لحاظ محتوایی نیز با یکدیگر تمایز دارند. جهت‌گیری سوره‌های مکی، بیان اصول اعتقادی دین، حول محور ایمان به خدای یکتا و باور به حساب و کتاب او در قیامت است؛ اما جهت‌گیری سوره‌های مدنی، تبیین فروع فقهی و قوانین قضایی و حکومتی بر آمده از همان اصول، و بنای اجتماعی جدید می‌باشد (نک: جوادی، تسنیم، ۱/۴۱ - ۴۵؛ شاکر، ۱۷۶).

بر این اساس اگر بخواهیم سوره‌های مدنی و مکی را کشف کنیم، می‌توانیم از دلایل و قرائنی کمک بگیریم که موارد ذیل از مهمترین اینها می‌باشد:

۱- سوره‌هایی که در آن به شأن حاکمیتی پیامبر اکرم ۹ توجه شده و به مؤمنان دستور اطاعت و تبعیت از ایشان داده شده است، سوره‌هایی مدنی هستند، زیرا مباحث مربوط به شأن رهبر و حاکم از مسائل مربوط به جامعه و جامعه‌سازی است. یکی از نشانه‌های لفظی جهت این بحث، خطاب «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ» است. این خطاب اولاً در سوره‌هایی به کار رفته است که موضوعات اجتماعی در آنها محوریت دارد. ثانیاً توصیه‌هایی که بعد از این ندا وجود دارد، توصیه به امور حاکمیتی و اجتماعی است، مانند: امر به تشویق مؤمنان به قتال (الانفال، ۶۵)، جهاد با کفار و منافقان (التوبه، ۷۳)، اطاعت نکردن از کفار و منافقان (الاحزاب، ۱)، پذیرش بیعت زنان مؤمن (الممتحنه، ۱۲) و...

۲- سوره‌هایی که مؤمنان را به مثابه یک جمع واحد در نظر گرفته و دستورات اجتماعی به ایشان می‌دهد، سوره‌هایی مدنی هستند. نماد این بحث را می‌توان در خطاب «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» دید که به مؤمنان به عنوان یک جمع واحد خطاب کرده است. چنانکه در جای جای قرآن دیده می‌شود، بعد از این خطاب دستورات

ساختار سبع مثنوی قرآن کریم (نظریه‌ای جدید در باب چینش سوره‌ها) // ۱۴۹

و توصیه‌های اجتماعی به جامعه مؤمنان بیان می‌شود. پس یکی از روشن‌ترین معیارها برای تشخیص محتوای مدنی سوره‌ها خطاب "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا" است. ۳- سوره‌هایی که به مباحث حاکمیتی که لازمه آن داشتن یک حکومت الهی است، می‌پردازد، سوره‌ای با محتوای مدنی است. این مباحث می‌تواند مباحثی مانند: هجرت از جامعه کفر به جامعه ایمانی، قتال با کافران، عدم قبول ولایت و سرپرستی کافران و عدم رابطه مودت آمیز با ایشان، بریدن دست دزد، تازیانه زدن به زناکار و... باشد.

۴- سوره‌هایی که محور بحث آن اصول اعتقادی، مانند: توحید و ربوبیت خدا، معاد و قیامت، نبوت، هلاکت دنیوی و عذاب اخروی کافران به توحید، معاد و نبوت و بشارت مؤمنان به این حقایق و... باشد.

با توجه به معیارهای چهارگانه فوق، ۲۲ سوره: بقره، آل عمران، نساء، مائده، انفال، توبه، نور، احزاب، محمد، فتح، حجرات، حدید، مجادله، حشر، ممتحنه، صف، جمعه، منافقون، تغابن، طلاق، تحریم و نصر، مدنی بوده و بقیه ۹۲ سوره قرآن مکی می‌باشد.

در ۱۹ مورد از سوره‌های مدنی مذکور، حداقل یکبار خطاب "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا" به کار رفته است و در برخی موارد از همین ۱۹ سوره، خطاب «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ» نیز به کار رفته است. در یک مورد (سوره طلاق) نیز صرفاً خطاب «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ» به کار رفته است. در همه این ۲۰ سوره مباحث حاکمیتی و اجتماعی، محوریت دارد. در سوره فتح و نصر نه خطاب «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ» به کار رفته و نه ندای «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» که محتوای کاملاً حاکمیتی آن به خوبی گویای مدنی بودن آن دو است، سوره فتح به بحث قتال بین جامعه کفر و ایمان اشاره دارد و سوره نصر نیز وظیفه بعد از فتح و پیروزی بر جامعه کفار را بیان می‌کند. ۹۲ سوره مکی مذکور

نیز هم معیارهای سور مدنی را ندارند و هم به روشنی معیار سور مکی را ندارند، یعنی محور محتوایی همه این سور اصول اعتقادی می‌باشد.

آنچه درباره مکی و مدنی بودن سوره‌ها بر اساس معیار محتوایی و لفظی بدست آمد، تا حد زیادی مطابق با دیدگاه مشهور درباره مکی و مدنی بودن سوره‌هاست، زیرا مدنی بودن ۲۲ سوره مورد اشاره، هم مورد توافق تمامی جداول ترتیب نزول سوره‌ها بوده (نک: بهجت پور، ۲۳ - ۴۷) و هم مطابق نظر مفسرانی که قرآن را بر اساس ترتیب نزول تفسیر کرده‌اند (آل غازی، ۶ / ۲۴۲ و ۲۴۸؛ دروزه، ۸ / ۵۴۴ و ۵۵۵؛ بهجت پور، ۳۴۵ - ۳۴۶) و هم مورد موافقت بزرگان این فن می‌باشد (زرکشی، ۱ / ۲۸۱؛ معرفت، ۱ / ۱۳۷)، به نحوی که ابن جزری مدنی بودن این ۲۲ سوره متفق علیه می‌داند (ابن جزری، ۱ / ۱۴).

البته درباره برخی از سوره‌های دیگر قرآن، مانند: الرعد، الحج، الرحمن، الانسان، المطففین، البینه، الزلزال، العادیات، احتمال مدنی بودن نیز مطرح شده است (نک: بهجت پور، ۲۳ - ۴۷)، در حالی که این سوره‌ها هیچکدام از معیارهای محتوایی مطرح شده برای سوره‌های حاکمیتی و مدنی را دارا نمی‌باشند و از سوی دیگر رویکرد و جهت گیری همه این سوره‌ها تبیین اصول اعتقادی دین در توحید، معاد، وحی و نبوت است که شاخصه اصلی سوره‌های زیربنایی و مکی می‌باشد. قابل توجه است که سوره حمد نیز هر چند به لحاظ تاریخی، سوره‌ای مکی محسوب می‌شود و به لحاظ محتوا نیز جهت گیری آن کاملاً زیربنایی است، اما چنانکه قبلاً بیان شد، چنان جامعیتی در بیان اصول و کلیات دین دارد که آن را می‌توان اجمال کل قرآن دانست. از این رو به لحاظ محتوایی این سوره را نباید صرفاً در عداد سوره‌های مکی به حساب آورد، بلکه آن را باید در کنار همه سوره‌های مکی و مدنی ارزیابی کرد. به لحاظ ترتیب نزول سوره‌ها نیز یکی از

ساختار سبع مثنایی قرآن کریم (نظریه‌ای جدید در باب چینش سوره‌ها) // ۱۵۱

اقوال مطرح برای نخستین سوره نازل شده، این سوره است (طبرسی، ۱۰/۶۱۳). برخی از محققان با توجه به بعضی از شواهد و قرائن موجود، این قول را تثبیت کرده و آن را قابل جمع با نخستین سوره نزول بودن سوره علق دانسته‌اند، بدین بیان که سوره حمد اولین سوره دوره نبوت و سوره علق اولین سوره دوره رسالت است (خامه گر و نقی زاده، ۱۳۴ - ۱۵۲). از این رو چه به لحاظ تاریخی و چه به لحاظ محتوایی، ابتدایی‌ترین و پایه‌ای‌ترین و جامع‌ترین سوره‌ها، سوره حمد است که به عنوان فاتحه الکتاب نیز شناخته می‌شود، در گام بعدی سوره‌های مکی به تفصیل زیربناهای اعتقادی مطرح در سوره حمد پرداخته و در گام نهایی سوره‌های مدنی بر اساس آن مبانی اعتقادی، چارچوب طراحی جامعه الهی را بیان می‌کنند.

۴-۲- زوجیت سوره‌ها در این نظریه

بنا بر نظریه این تحقیق، سوره‌های قرآن با یکدیگر مثنی و زوج می‌باشند. برخی قرائن قرآنی و روایی این مدعا و توضیح بیشتر درباره آن در ادامه خواهد آمد.

۴-۲-۱- قرائن قرآنی

قبلاً گذشت که وصف سَبْعاً مِنَ الْمَثَانِي در آیه ۸۷ سوره حجر را می‌توان به هفت گروه سوره قرآن که دارای ساختار دوتایی مدنی- مکی می‌باشند، تطبیق داد، اما باید توجه داشت که این صرفاً یک سطح از سطوح مثنایی بودن ساختار قرآن بود. با توجه به آیه ۲۳ سوره زمر: "اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيًّا"، به نظر می‌رسد، کل ساختار قرآن مثنایی است. مثنایی بودن ساختار قرآن را می‌توان در سه لایه دید: در لایه اول چنانکه قبلاً در نقد دیدگاه اصلاحی اشاره کردیم، سوره حمد با کل سوره‌های قرآن، از بقره تا ناس، مثنی می‌باشد. در لایه دوم، مثنی بودن ساختار قرآن، خود را در کنار هم قرار گرفتن گروه سوره‌های

مدنی و مکی، نمایان ساخته است، یعنی هر گروه سوره مکی، جفت و مکمل گروه سوره مدنی پیش از خود است. در لایه سوم در هر گروه سوره مکی یا مدنی، سوره‌ها با یکدیگر مثنی و زوج می‌باشند.

۴-۲-۲- قرآن روایی

در روایات برخی تعالیم و مضامین وجود دارد که هر یک به نوعی نظریه مثنی بودن سوره‌های قرآن را تقویت می‌کند. این موارد را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

الف- برخی روایات، توصیه به خواندن چند سوره با هم کرده‌اند و برای این قرائت هم‌زمان آثاری قائل شده‌اند. نکته جالب توجه آن است که این سوره‌ها، عمدتاً سوره‌های مجاور و زوج یکدیگر می‌باشد. دعوت به خواندن هم‌زمان زوج سوره بقره و آل عمران (مسلم، ۱/۵۵۳؛ صدوق، ۱۰۴؛ مجلسی، ۷/۲۹۲)، زوج سوره انفال و توبه (صدوق، ۱۰۶؛ مجلسی، ۸۹/۲۷۷)، زوج سوره عنکبوت و روم (صدوق، ۹۹)، زوج سوره سبأ و فاطر (صدوق، ۱۰۰)، زوج سوره‌های حوامیم (صدوق، ۱۰۳)، زوج سوره حدید و مجادله (صدوق، ۱۰۶)، زوج سوره طلاق و تحریم (صدوق، ۱۰۷)، زوج سوره بروج و طارق (سیوطی، ۶/۳۳۱)، زوج سوره اعلی و غاشیه (همان، ۶/۳۳۸)، زوج سوره فلق و ناس (مجلسی، ۸۹/۳۶۷).

ب- در برخی از روایات، صفت یا ویژگی خاصی برای چند سوره کنار هم مطرح شده است، مثلاً دو سوره بقره و آل عمران را زهراوان (دو زهراء) نامیده‌اند (مسلم، ۱/۵۵۳)؛ هفت سوره حوامیم را ریاحین القرآن (صدوق، ۱۰۳)، دیاج القرآن (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۵/۳۴۴) دانسته‌اند؛ دو سوره طلاق و تحریم را برای نبی (أَنْهَمَا لِلنَّبِيِّ) معرفی کرده‌اند (صدوق، ۱۰۷) و یا دو سوره فلق و ناس را معوذتان (احمد، ۲۸/۵۸۶) یا متعوذتان (مجلسی، ۸۹/۳۶۷) نامگذاری کرده‌اند.

ساختار سبع مثنائی قرآن کریم (نظریه‌ای جدید در باب چینش سوره‌ها) /// ۱۵۳

ج- تعبیر دیگری که در برخی نقل‌ها وجود دارد، آن است که دو سوره کنار هم را چونان یک سوره واحد معرفی می‌کنند. این مطلب درباره سوره انفال و توبه (عیاشی، ۷۳/۲)، سوره شرح و ضحی، سوره ایلاف و فیل آمده است. در مورد دو زوج اخیر، حتی توصیه به خواندن آنها با هم در نماز بعد از سوره فاتحه کرده‌اند.

اشاره روایات به پیوندهای متعدد عمدتاً دوتایی سوره‌ها، در اوایل، اوسط و اواخر مصحف شریف، نظریه مثنی بودن سوره‌های قرآن را تقویت کرده و نشان می‌دهد که یک سامانه عمدتاً دوتایی بر تمامی سوره‌های قرآن حاکم است. گویی پیامبر اکرم و امامان معصوم: با ذکر نمونه‌هایی خواسته‌اند، این نظام ساری و جاری در کل قرآن را برای ما تعریف کنند (لسانی و زنجانی، ۱۲۱).

۴-۲-۳- تفاوت‌ها نسبت به نظریه اصلاحی

آنچه درباره زوجیت سوره‌ها بیان شد، اشکالاتی که به نظریه اصلاحی بیان شد را ندارد و با نظریه وی در چند زمینه تفاوت دارد:

۱- در این نظریه، تک سوره‌های نور، احزاب و نصر که خود یک گروه سوره مدنی را در مقابل گروه سوره مکی قبل از خود تشکیل می‌دهند، نیاز به زوجیت با سوره‌ای دیگر ندارند و در واقع این سوره‌ها را باید با بقیه سوره‌های مکی هم گروه خود ارزیابی کرد و با آنها مثنی دانست. درباره سوره حمد نیز وضع به همین منوال است، الا اینکه زوج سوره حمد، کل سوره‌های بقره تا ناس می‌باشد. در مقابل چنین چیزی رو مطرح نکرده و زوجیت را فقط برای دو سوره کنار یکدیگر می‌داند. البته در لابلای موضع‌گیری‌های اصلاحی می‌توان تمایل او به این نظر را یافت، چنانکه وی نیز سوره حمد را بدون زوج و از سوی دیگر مقدمه

قرآن دانسته (اصلاحی، ۲۶/۱) و یا اینکه او سوره احزاب را مکمل گروه سوره‌های مکی قبل از خود می‌داند (همان، ۱۷۹/۶).

۲- اصلاحی زوج بودن را فقط برای دو سوره می‌داند، در حالی که در این نظریه مثنی بودن سوره‌های قرآن می‌تواند در برخی موارد به صورت سه‌تایی یا بیشتر بروز پیدا کند، علت این مطلب جایگاه خاص عدد «دو» در مفاهیم انسانی و همچنین در زبان عربی می‌باشد. انسان در کلام خود هر چند به طور معمول بین دو و سه و یا دو تایی و سه‌تایی تمایز قائل می‌شود و به عنوان مثال می‌گوید: به گروه‌های دو تایی یا سه‌تایی تقسیم شوید، اما گاه لفظ دو را به کار می‌برد و با کاربرد آن می‌فهماند که منظور یک نبودن و دو و بیشتر از دو بودن است، مثل آنکه می‌گوییم: «این کار را دوباره انجام دادم» و منظورمان صرفاً این نیست که این کار را فقط دو بار انجام دادم و سه بار انجام ندادم، بلکه مقصود این است که این کار را بیش از یکبار انجام دادم. در زبان عربی نیز گاه مثنی از آن جهت که اولین مرتبه تکرار یک چیز است، کنایتاً تکرار را افاده می‌کند، لذا وقتی عرب می‌گوید: لَبَّيْكَ از آن قصد نمی‌کند که من تو را دو بار اجابت می‌کنم، بلکه مقصود این است که تو را مکرر و همیشه اجابت می‌کنم (ابن عاشور، ۶۸/۲۴). در قرآن نیز گاه چنین کاربردی دیده می‌شود، به عنوان مثال در آیه ۳-۴ سوره ملک، وقتی خداوند می‌فرماید که «ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ» منظور این نیست که فقط برای بار دوم چمشت را برگردان، بلکه می‌خواهد بفرماید که اگر بارها هم چشم بگردانی هیچ اشکالی در خلق خدا نمی‌بینی (همان؛ طباطبائی، ۳۵۱/۱۹). کلمه مثنی که مورد بحث ماست نیز می‌تواند چنین کاربردی داشته باشد. این کلمه اگر در کنار کلمات ثَلَاث (سه‌تایی سه‌تایی)، رُبَاع (چهارتایی چهارتایی) به کار رود، صرفاً به همان معنای دو تایی دو تایی است، مانند: «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا

تُقَسِّطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَ
رُبَاعًا (النساء، ۳) اما اگر به تنهایی و یا در کنار لفظ فرادی (تکی تکی) به کار
رود، تکرر و بیش از دو را نیز می‌رساند، مانند: «**قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ**
تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَادَىٰ» (سبأ، ۴۶) که در آن انسان‌ها را به قیام برای خدا به
صورت دوتایی دوتایی یا فرد فرد دعوت کرده است. روشن است که منظور این
نیست که به تنهایی و یا دوتایی باید قیام کرد و مثلاً سه تایی سه تایی نمی‌توان
برای خدا قیام کرد، بلکه در اینجا مثنی در مقابل فرادی، جهت اشاره به جمع بودن
آمده است و لذا معنای آیه آن است که برای خدا جمعی (دوتایی دوتایی، سه تایی
سه تایی و...) و فردی قیام کنید (ابن عاشور، ۹۴/۲۲؛ طبرسی، ۶۱۹/۸؛ فخررازی،
۲۱۴/۲۵).

با توضیحی که درباره معنای مثنی آمد، می‌توان ادعا کرد که مثنایی بودن
ساختار قرآن، گاه به صورت سه تایی، چهار تایی و بیشتر نیز امکان ظهور دارد،
هر چند اصل اولیه با توجه به اصل معنای کلمه مثنی، همان دوتایی می‌باشد.
به عنوان مثال با این دیدگاه سه سوره پشت سر هم محمد، فتح و حجرات که
پنجمین گروه سوره مدنی بوده و قرابت محتوایی زیادی با یکدیگر دارند، با هم
یک مثنی را تشکیل می‌دهند. وضعیت هفت سوره پشت سر هم حوامیم که
همگی با حروف مقطعه حم شروع می‌شوند و قرابت محتوایی نیز با هم دارند،
می‌تواند، چنین باشد.

۴-۳- طرح کلی ساختار مثنایی قرآن

با آنچه در بخش گذشته بیان کردیم، طرح کلی ساختار مثنایی قرآن و
سوره‌های آن به شرح ذیل می‌باشد:
سوره حمد: زوج و مثنی با کل سوره‌های قرآن.

گروه اول مدنی: بقره و آل عمران - نساء و مائده.

گروه اول مکی: انعام و اعراف.

گروه دوم مدنی: انفال و توبه.

گروه دوم مکی: یونس، هود، یوسف، رعد، ابراهیم، حجر (شش تایی - سوره های ذوات الریا الرائات) - نحل و اسراء - کهف و مریم - طه و انبیاء - حج و مؤمنون. گروه سوم مدنی: نور.

گروه سوم مکی: فرقان و شعراء - نمل و قصص - عنکبوت و روم - لقمان و سجده.

گروه چهارم مدنی: احزاب.

گروه چهارم مکی: سبأ و فاطر - یس و صافات - ص و زمر - غافر، فصلت، شوری، زخرف، دخان، جاثیه و احقاف (هفت تایی، حوامیم سبعة).

گروه پنجم مدنی: محمد، فتح و حجرات.

گروه پنجم مکی: قاف، ذاریات و طور - نجم و قمر - الرحمن و واقعه.

گروه ششم مدنی: حدید و مجادله - حشر و ممتحنه - صف و جمعه - منافقون و تغابن - طلاق و تحریم.

گروه ششم مکی: ملک و قلم - حاقه و معارج - نوح و جن - مزمل و مدثر - قیامت و انسان - مرسلات و نبأ - نازعات و عبس - تکویر و انفطار - مطفین و انشقاق - بروج و طارق - اعلی و غاشیه - فجر و بلد - شمس و لیل - ضحی و شرح - تین و علق - قدر و بینه - زلزالت و عادیات - قارعه و تکاثر - عصر و همزه - فیل و قریش - ماعون، کوثر و کافرون.

گروه هفتم مدنی: نصر.

گروه هفتم مکی: تبت و توحید - فلق و ناس.

ع-۴- نسبت بین احزاب هفتگانه و چهارگانه سوره‌های قرآن

مطابق آنچه بیان شد، گروه سوره‌های قرآن، هفت گروه سوره با چینش مدنی- مکی دانسته شد. از سوی دیگر چنانکه دیدیم برخی روایات گروه‌های چهارگانه از سوره‌ها را معرفی کرده‌اند، آیا میان این دو تقسیم‌بندی ارتباطی وجود دارد؟ اگر محدوده احزاب چهارگانه را همان بدانیم که در نقد و بررسی دیدگاه سعید حوی و عمدتاً مبتنی بر روایات بدان اشاره کردیم، این دو تقسیم‌بندی تنها در یک محدوده با هم قرابت دارند و آن محدوده حزب مفصل است که شامل سه حزب انتهایی از احزاب هفتگانه قرآن می‌شود (سوره‌های محمد تا ناس). اما اگر آن محدوده را به دلیل عدم اتفاق و عدم صراحت روایات، قابل خدشه بدانیم، ممکن است با نظر به برخی قرائن و با فرض وجود ارتباط میان این دو تقسیم، دیدگاه جدیدی را مطرح کرد که قرابت این دو تقسیم را به نحو گویاتری ترسیم می‌کند. بر اساس این دیدگاه حدود احزاب چهارگانه و نسبت آن با احزاب هفتگانه به قرار ذیل است:

حزب طوال: بقره تا اعراف- معادل حزب اول احزاب هفتگانه

حزب مئین: انفال تا مؤمنون- معادل حزب دوم احزاب هفتگانه

حزب مثنائی: نور تا احقاف- معادل حزب سوم و چهارم احزاب هفتگانه

حزب مفصل: محمد تا ناس- معادل پنجم تا هفتم احزاب هفتگانه

قرائن و شواهدی که این دیدگاه را تقویت می‌کند، بدین شرح است: محدوده حزب مفصل با مشهورترین دیدگاه در این خصوص هماهنگ است، لذا این محدوده نیاز به استدلال بیشتر ندارد. اما حزب طوال از بقره تا اعراف را شامل می‌شود، زیرا سوره انفال که سوره بعدی می‌باشد، به روشنی کوچک‌تر از سوره‌های طولانی قبلی بوده و لذا شروع حزب جدیدی از سوره‌ها است. چنانکه

دیدیم دلیل قائلان قول مشهور در محدوده حزب طوال (بقره تا توبه)، اشاره برخی روایات به هفت سوره بودن حزب طوال بود، آن هم با این اجتهاد که دو سوره انفال و توبه یک سوره است. اما این مطلب از هر دو جهت قابل خدشه است: اولاً اشاره به هفته سوره بودن حزب طوال، صرفاً در روایات اهل تسنن آمده است و در روایات شیعه بدان اشاره‌ای نشده است، فلذا شاید بتوان چنین گفت که کلمه سبع (هفت)، اضافات اجتهادی توضیحی است که توسط روایان به حدیث اضافه شده است. ثانیاً یک سوره محسوب شدن دو سوره انفال و توبه قابل پذیرش نیست، زیرا بنا بر بسیاری از روایات دیگر این دو سوره مجزا از یکدیگر بوده و لذا از هر کدام به عنوان یک سوره یاد شده و برای تلاوت هر کدام از این دو سوره آثاری بر شمرده‌اند (نک: سیوطی، ۳/۲۰۷-۲۰۹؛ صدوق، ۱۰۶؛ مجلسی، ۸۹/۲۷۷). عدم وجود بسمله در ابتدای این سوره نیز هیچگاه باعث نشده این دو را یک سوره محسوب کنند و از همین روست که ابن عباس از چرایی نیامدن بسمله در ابتدای این سوره از حضرت علی ۷ سؤال کرده و دیگران نیز همین سؤال را از عثمان مطرح می‌کنند و پاسخ نیز یک سوره بودن این دو سوره نبوده است (سیوطی، ۳/۲۰۸ - ۲۰۹). معدود نقل‌هایی هم که این دو را به عنوان یک سوره بر شمرده‌اند (عیاشی، ۲/۷۳) یا به دلیل تعارض با روایات پیش گفته، پذیرفته نیستند یا معنی آن زوج دانستن این دو سوره است نه یکی بودن آنها، و شاید از همین باب است که این دو سوره در زمان پیامبر اکرم ۹ به دو قرین (القرینتین) مشهور بوده‌اند (السخاوی، ۱/۸۸، طبرسی، ۴/۵).

با تعیین محدوده دو حزب طوال و مفصل، سوره انفال ابتدای حزب مئین و سوره احقاف انتهای حزب مئانی دانسته شد، این یعنی محدوده سوره انفال تا سوره احقاف در برگیرنده دو حزب از احزاب چهارگانه قرآن است. قبال توجه است که همین محدوده،

شامل سه حزب از احزاب هفتگانه قرآن نیز می‌باشد، لذا اگر مبنا را تطابق این دو تقسیم‌بندی قرار دهیم، باید یکی از دو حزب مؤن یا مثنائی شامل دو حزب از احزاب هفتگانه باشد. توجه به عنوان دو حزب مؤن و مثنائی این مشکل را حل می‌کند. حزب سوم از احزاب چهارگانه قرآن، مثنائی نامیده شده است. مثنائی که قبلاً آن را معنا کردیم، به معنای دو تایی‌ها است. همین عنوان می‌تواند، قرینه‌ای بر این باشد که حزب مثنائی، شامل دو حزب از احزاب هفتگانه می‌باشد. بر این اساس حزب مؤن مطابق با حزب دوم از احزاب هفتگانه از سوره انفال تا مؤنون بوده و حزب مثنائی، مطابق با حزب سوم و چهارم از احزاب هفتگانه از سوره نور تا احقاف می‌باشد.

با آنچه گذشت قول مطرح در ابتدای این بخش می‌تواند لااقل به عنوان یک قول در تعیین حدود احزاب چهارگانه قرآن مطرح باشد و در صورت پذیرش این قول ارتباط میان احزاب هفتگانه و چهارگانه به نحو روشن‌تری قابل بررسی می‌باشد.

نتایج مقاله

چینش سوره‌های قرآن یک چینش حکیمانه بر اساس ساختار مثنائی و دو تایی می‌باشد. قرآن ابتدا به یک دو تایی، یعنی در یک سو، سوره حمد و در سوی دیگر، سوره‌های بقره تا ناس تقسیم شده است. سپس سوره‌های بقره تا ناس، به هفت دو تایی، یعنی هفت گروه شامل یک دسته سور مدنی و یک دسته سور مکی تقسیم شده است. هر گروه سوره مدنی یا مکی نیز در درون خود به زوج سوره‌های عمدتاً دو تایی تقسیم شده اند. ساختار فوق، بنا بر وصف سبجاً من المثنائی است که قرآن خود را بدان متصف کرده است و برخی روایات نیز مؤید جنبه‌هایی از آن هستند. کشف نظام سوره‌ها در قرآن ثمرات فراوانی در نحوه مواجهه ما با قرآن و فهم و استنباط معارف قرآنی دارد که تبیین آن خود نیازمند مجال بیشتر و تحقیقی جداگانه است.

کتابشناسی

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحدیث و الأثر، چاپ چهارم، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش.
- ۳- ابن عاشور، محمدطاهر، تفسیر التحریر و التویر (تفسیر ابن عاشور)، چاپ اول، بیروت، مؤسسه التاريخ العربی، ۱۴۲۰ق.
- ۴- ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، چاپ اول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- ۵- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
- ۶- ابوحیان، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، چاپ اول، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۰ق.
- ۷- احمد بن حنبل، أبو عبد الله، مسند الإمام أحمد بن حنبل، محقق: شعيب الأرنؤوط؛ عادل مرشد؛ و دیگران، إشراف: عبد الله بن عبد المحسن التركي، چاپ اول، مؤسسه الرسالة، ۱۴۲۱ق.
- ۸- ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بی‌جا، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
- ۹- اصلاحی، امین احسن، تدبر قرآن، لاهور، فاران فاؤنڈیشن، بی‌جا، ۱۴۳۰ق.
- ۱۰- آقایی، سید علی، انسجام قرآن از نظریه تا عمل: مقایسه روش تفسیری فراهی - اصلاحی و حوی، کتاب ماه دین، شماره ۱۴۴، ۱۳۸۸ش.
- ۱۱- آلبانی، أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدین، سلسلة الأحادیث الضعیفة والموضوعة وأثرها السیئ فی الأمة، چاپ اول، ریاض، دارالمعارف، ۱۴۱۲ق.
- ۱۲- آل‌غازی، عبدالقادر، بیان المعانی، چاپ اول، دمشق، مطبعة الترقی، ۱۳۸۲ق.
- ۱۳- ایازی، محمد علی، چهره پیوسته قرآن، چاپ اول، تهران، نشر هستی نما، ۱۳۸۰ش.
- ۱۴- بخاری، محمد بن اسماعیل أبو عبد الله، صحیح البخاری (الجامع المسند الصحیح المختصر من أمور رسول الله و سننه و آیامه)، محقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، چاپ اول، دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ق.
- ۱۵- بهجت پور، عبدالکریم، تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول) مبانی، اصول، قواعد و فواید، چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲ش.
- ۱۶- همو، شناخت نامه تنزیلی سوره‌های قرآن کریم، چاپ اول، قم، مؤسسه تمهید، ۱۳۹۴ش.
- ۱۷- ثعلبی، احمد بن محمد، الكشف و البیان (تفسیر الثعلبی)، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
- ۱۸- دروزه، محمد عزه، التفسیر الحدیث، چاپ دوم، بیروت، دار الغرب الإسلامی، ۱۴۲۱ق.
- ۱۹- جوادی آملی، عبدالله، تسنیم (جلد اول)، چاپ سوم، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۱ش.

ساختار سبع مثانی قرآن کریم (نظریه‌ای جدید در باب چینش سوره‌ها) // ۱۶۱

- ۲۰- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، محقق و مصحح: احمد عبدالغفور عطار، دار العلم للملایین، چاپ اول، بیروت، ۱۳۷۶ق.
- ۲۱- حوی، سعید، الاساس فی التفسیر، چاپ ششم، قاهره، دار اسلام، ۱۴۲۴ق.
- ۲۲- خامه‌گر، محمد و نقی‌زاده، حسن، چالش نخستین نزول، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۶۹، ۱۳۹۱ش.
- ۲۳- زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس، چاپ اول، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
- ۲۴- الزرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بی‌جا، بی‌جا، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
- ۲۵- الزرکشی، بدر الدین محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، چاپ اول، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۰ق.
- ۲۶- الزمخشری، محمود، اساس البلاغه، چاپ اول، بیروت، دار صادر، ۱۹۷۹م.
- ۲۷- السخاوی، علی بن محمد، جمال القراء وکمال الإقراء، چاپ اول، دمشق/بیروت، دار المأمون للتراث، ۱۴۱۸ق.
- ۲۸- سمرقندی، نصر بن محمد، بحر العلوم (تفسیر السمرقندی)، چاپ اول، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۶ق.
- ۲۹- السیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، چاپ دوم، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۲۱ق.
- ۳۰- همو، ترتیب سور القرآن، بیروت، مکتبه الهلال، بی‌جا، ۲۰۰۰م.
- ۳۱- همو، الجامع الصغیر، چاپ اول، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۰۱ق.
- ۳۲- همو، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، چاپ اول، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- ۳۳- شاکر، محمد کاظم، علوم قرآنی، چاپ دوم، قم، دانشگاه قم، ۱۳۸۸ش.
- ۳۴- صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، چاپ دوم، قم، فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ق.
- ۳۵- صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی، ثواب الاعمال، چاپ دوم، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۴۰۶ق.
- ۳۶- الصنعانی، محمد بن اسماعیل، التنبیر شرح الجامع الصغیر، محقق: محمد إسحاق محمد ابراهیم، چاپ اول، ریاض، مکتبه دار السلام، الرياض، ۱۴۳۲ق.
- ۳۷- طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه اعلمی، ۱۳۹۰ق.
- ۳۸- الطبرانی، أبو القاسم سلیمان بن أحمد، المعجم الکبیر، محقق: حمدی بن عبد المجید السلفی، چاپ دوم، قاهره، دار النشر (مکتبه ابن تیمیة)، بی‌تا.
- ۳۹- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن (مجمع البیان لعلوم القرآن)، چاپ سوم، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
- ۴۰- طبری ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.
- ۴۱- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، محقق: احمد قصیر عامل، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
- ۴۲- همو، تهذیب الاحکام، محقق: حسن الموسوی خراسان، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.

- ۴۳- عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ اول، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ق.
- ۴۴- الغرناطی، أبو جعفر أحمد بن إبراهيم بن الزبير، البرهان فی تناسب سور القرآن، تحقیق: محمد شعبانی، مغرب، وزارة الأوقاف و الشؤون الإسلامية، ۱۴۱۰ق.
- ۴۵- الغماری، أحمد بن محمد بن الصدیق، المداوی لعلل الجامع الصغیر و شرحی المناوی، چاپ اول، قاهره، دار الکتبی، بی تا.
- ۴۶- فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بی جا، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- ۴۷- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ۴۸- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، چاپ اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
- ۴۹- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
- ۵۰- لسانی فشارکی / مرادی زنجانی، محمد علی / حسین، سوره شناسی، چاپ اول، قم، نصاب، ۱۳۹۴ش.
- ۵۱- مالک، مالک بن انس، الموطأ، محقق: محمد مصطفی الأعظمی، چاپ اول، ابوظبی، مؤسسة زاید بن سلطان آل نهیان للأعمال الخیریه والإنسانیة، ۱۴۲۵ق.
- ۵۲- المتقی الهندی، علی بن حسام، کنز العمال، چاپ پنجم، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۱ق.
- ۵۳- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بی جا، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
- ۵۴- المروزی، أبو عبد الله محمد بن نصر بن الحجاج، مختصر قیام اللیل و قیام رمضان و کتاب الوتر، مختصر کتنبه: أحمد بن علی المقریزی، چاپ اول، فیصل آباد، حدیث اکادمی، ۱۴۰۸ق.
- ۵۵- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ سوم، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۳۰ق.
- ۵۶- معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
- ۵۷- مقاتل، مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، محقق: شحاته، عبدالله محمود، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.
- ۵۸- ملاصدر (صدرالدین شیرازی)، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، چاپ دوم، قم، بیدار، ۱۳۶۱ش.
- ۵۹- میبدی، احمد بن محمد، کشف الاسرار و عدة الابرار (تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، چاپ پنجم، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۱ق.
- ۶۰- نهاوندی، محمد بن عبدالرحیم، نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن، چاپ اول، قم، مؤسسه بعثت، ۱۴۲۵ق.

ساختار سبع مثانی قرآن کریم (نظریه‌ای جدید در باب چینش سوره‌ها) /// ۱۶۳

۶۱- الهروی، أبو عُبَید القاسم بن سلام بن عبد الله، فضائل القرآن، محقق: مروان العطیة / محسن خرابة/وفاء تقی الدین، چاپ اول، دمشق / بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۱۵ ق.